

بسم الله الرحمن الرحيم

ماه بطحاء

بررسی کوتاه در زندگینامه و شخصیت
حضرت معصومه (س)



razva.ir

حسن اردشیری لاجیمی

شناسنامه :

نام کتاب: ماه بطحاء (بررسی کوتاه در زندگینامه و شخصیت حضرت معصومه سلام الله علیها)

مؤلف: حسن اردشیری لاجیمی

نشر: توسط نشر الکترونیکی سایت رضوا

تاریخ: ۱۳۹۰/۱۱/۲۷

razva . ir

www.razva.ir

فهرست

فصل اول / مولود وعده داده شده

تولد نور

مادر حضرت معصومه(س)

نامه امام رضا(ع)

در بیان آمدن حضرت معصومه(س) به قم

در ذکر محراب

همراهان حضرت معصومه(س)

وصیت نامه امام هفتم(ع)

اطلاعات کوتاه در رابطه با حضرت معصومه(س)

فصل دوم / در محضر نورانی حضرت معصومه(س)

روایت اول

روایت دوم

روایت سوم

روایت چهارم

روایت پنجم

روایت ششم

روایت هفتم

فصل سوم / القاب نورانی

معصومه(س)

کریمه اهل بیت

شفیعه روز جراء

القاب دیگر

فصل چهارم / فضیلت زیارت حضرت معصومه (س)

معرفت به حضرت معصومه (س)

واسطه فیض الهی

فضیلت زیارت حضرت معصومه (س)

زیارت نامه مخصوص

آداب زیارت

زیارت غیر معروفه

توجه امام رضا (ع)

زیارت امام زمان (ع)

نکته

نکته

فصل پنجم / اطلاعاتی کوتاه در باب قم و حرم مطهر

اسامی قم

اطلاعات کوتاه در تاریخچه حرم

فصل ششم / کرامات صادره از محضر نورانی حضرت معصومه (س)

کرامت

حل مشکل علمی ملاصدرا

حل مشکل آیه الله العظمی مرعشی

هلاکت مزدور گستاخ

حل مشکل آیه الله العظمی اراکی

لطف خواهر و برادر
شفای پادرد و تقدیر از مجالس اهل بیت
به قم بیا تا درد تو را شفا دهم
طلبة نخجوانی
طهارت زائران

طهارت

دوش آب

برادر شما به ما ربطی ندارد

ارزش خلوص

عیدی

چرا حرم را ترک کردی

کرامت

کرامت

پناه بی پناهان

خط خوش

شفاعت امام رضا(ع)

سفید کاری مسجد جمکران

فصل هفتم / برگزیده ادب فارسی

بارگاه قدس

سینه سینا

اسوه شرف

جمال و کمال فاطمی

اختر سپهر امامت

رضوا (محل وحی، عقل و عشق)

razva.ir

کیمیای اهل عرفان

آشیانی برای دل

باغ بهشت

ناموس خدا

آستان عرشی نشان

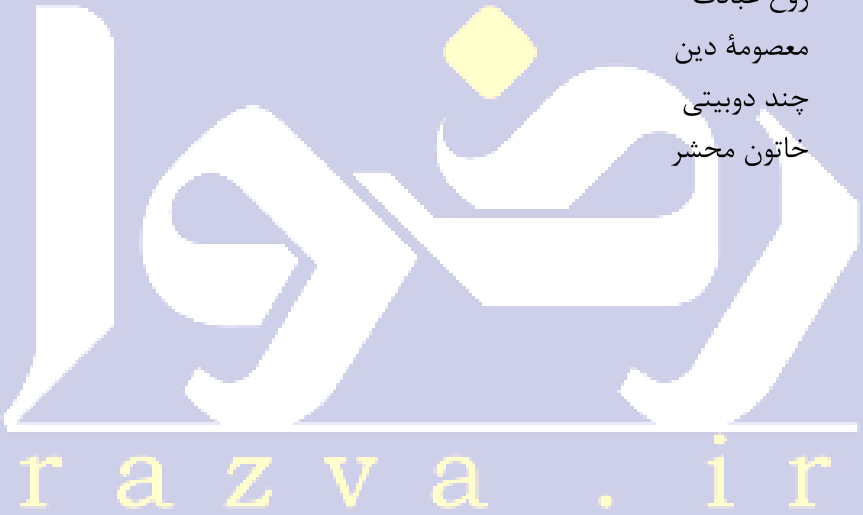
ماه بطحاء

روح عبادت

معصومه دین

چند دوبیتی

خاتون محشر



فرمایشات نوری

استاد علامه آیه الله حسن زاده آملی

درباره حضرت معصومه (س)

نوفاً ، اغلب ، اکثر ، بگویم همیشه هم گداز نكفتهام ، [وقتی]
می‌روم قم ، به زیارت بی‌بی ، حضرت معصومه خواهر امام هشتم ما
سلام الله علیها ، روح مطهر ایشان گواه که دیگر ، روی بچگی
خودمان ، در و دیوار را می‌بوسم و این شعر را می‌خوانم که:

اقبله ارض صار فیها جمالها فکیف بدار دار فیها جمالها
بله، آن شاعر عرب می‌گوید: من آن زمینی را می‌بوسم که شترانش
در آنجا عبور کرده‌اند ، تا چه رسد که آن خانه‌ای که جمالش در
آنجا دور می‌زند.

... بی‌بی حضرت معصومه سلام الله علیها ، ایشان نوزده ساله بودند
که در قم وفات کرده بودند. نوزده ساله بود و نه اینکه فقط و تنها ،
ایشان دختر امام هفتم است و خواهر امام هشتم هست. و همه حجه

خدا هست. ما به این جهت احترام می‌گذاریم ، البته اینها به جای
خود، اما خود این خانم ، خود این بزرگوار ، خود این دختر نوزده
ساله ، در میان فرزندان امام هفتم ما ، دو نفر نمونه بودند ،
چشم‌گیر، یکی حجت خدا بود ، امام هشتم که صاحب عصمت و
امام ، دیگر همین دختر ۱۹ ساله^۱ ، ایشان از آن نبوغش ، از آن

۱- به روایتی دیگر عمر شریف آن حضرت ۲۸ سال می‌باشد.

فطرتش ، بینشش ، درایتش ، خانم عجیبی بود، همین دختر ۱۹ ساله.

یکی از اساتید ما قربانش بروم ، جناب آقا سید مهدی قاضی رضوان الله تعالی علیه ، پدرشان حضرت آیه الله جناب حاج سید علی قاضی که استاد ، خیلی از اساتید ما و بزرگان از معارف بنام هست. خیلی مقام بالایی داشت، استاد اساتید ما بودند، و استاد خیلی‌ها ، این استاد ما ، که پسرش بود، آقا سید مهدی قاضی ، استادم در یک رشته‌های مخصوص علوم بود.

ایشان همیشه حرف یک خواهرش را می‌زد. آن وقت به رحمت الهی رفته بود، پدرش صاحب مکاشفات بود ، خیلی آدم عجیبی بود، آیه الله آ سید علی قاضی تبریزی ، و ایشان که گاه‌گاهی صحبت سیروس‌سلوک انسانی و معارف الهی و اینها پیش می‌آمد به لحن شریف خودشان می‌فرمودند: حاج آقا فرزند پدرمان در میان فرزندان پدری‌مان همان خواهر بود ، حالا خواهر مرحوم شده بود. اون خوب مسیر پدر را [طی کرده بود]، از این خواهر چقدر حرف می‌زد.

حالا چندتا از برادرانش و خودش هم گاه‌گاه شکارهای خوبی داشت از مکاشفات و حالاتش برای من نقل می‌کرد. یادداشت‌ها دارم، جمع و جور کنم کلمه‌ای ، رساله‌ای ، خودش هم شکارها ، با این همه می‌گفت: حاج آقا از فرزندان پدرم ، آن خواهر خیلی عجوبه بود، زن و مرد ندارد ، فردی به راه افتاده ، از تو حرکت ، از خدا برکت.

این خانم حضرت معصومه سلام الله علیها ، شخصاً ، شخصاً خانم عجوبه‌ای بود ، در میان فرزندان امام هفتم دو تن ، یکی امام هشتم ، یکی این خانم حضرت معصومه(س).

مأمون در او طمع کرد. مأمون کی است؟ حالا عرض کردم از ابتداء ، کار به اینجاها کشیده ، و دیگر خیالاتی برایش پیش آمده ، حالا ابر قدرت است ، دنیا به کام اوست ، آدم عجوبه ، به حضرت معصومه(س) ، درباره او طمع کرد ، به اینکه دختر موسی بن جعفر است و خواهر حضرت علی بن موسی الرضا (ع) است، این بشود زنش ، خیلی ، کارش می‌گیرد، در او طمع کرد. جمعی را فرستاد مدینه آن روز ، اینها را بیاورند خراسان که مأمون راجع به ایشان و درباره خودشان به گردن امام هشتم بگذارند که با ایشان ازدواج کند. و زنش بشود.

راه آن وقت بود از مدینه تا قم ، خیلی حرف است. شتر سواری ، راه طولانی خیلی ، علاوه بر این که به ساوه که رسیدند - ساوه آن روز ،

اصفهان آن روز، ساوه خیلی قدیمی است. بطوری که ، در تاریخهای ما که نگاه کنید ، قدما را ، می‌بینید که می‌نویسند در کتابها که قبر حضرت معصومه(س) دختر موسی بن جعفر (ع) در ساوه است. این به تاریخ آن روز است، چون شهر اسم‌دار ، ساوه بود. همین قم [اسم] نداشت. الان دریاچه قم نمی‌فرمائید؟ نزدیک‌های قم ، در کتب قدمای ما ، روایات ما نگاه بکنید ، دریاچه ساوه [آمده است] ، نمی‌گویند دریاچه قم ، اسم‌های اخیر است. دریاچه ساوه بود.

و هکذا همین طور ، بطوری که عمادالدین طبری شاگرد جناب شیخ طوسی ، که از علمای بزرگ سرزمین ماست.

جناب عمادالدین طبری کتابی دارد ، بنام کامل بهائی ، در اصول دین نوشت ، کلام نوشت، در آنجا ، در آن کتاب کامل بهائی (اسم کتاب بهائی ، به یک وزیری در آن زمان بهاءالدین ، خیلی طرفدار دین و امامیه بود کتاب را احتراماً به نام ایشان نوشت ، کامل بهائی

اسمش شده است.) آورده است ؛ که از زمان خودش که الحمدلله سپاس گذار است و شاکر است ، می گوید: این طبرستان کذایی ، طبرستان آن وقت، خیلی قیچی شده است ، الان ، از تهران که در می آمدی بومهن ، اول دروازه مازندان بود ، حالا شده جزو استان تهران ، کتابهای جغرافیای دیروز را باز کنید نوشته است که دماوند (همین شهر دماوند) یکی از شهرهای مازندان است. طبرستان است. این طوری بود حالا قیچی کردند. استانها کوچک شده است. بله مازندان آن روز ، عمادالدین گفته است که : شما چندی پیش در

تمام مازندان ، طبرستان ۵۰۰ نفر شیعه نمی توانستید پیدا کنید، فرمود الحمدلله حقیقت دین ، ولایت خودش را طوری نشان داد که الان (زمان خودش را ، زمان شیخ طوسی) ۵۰۰ نفر سنی نمی شود پیدا کرد. مردم بیدار شدند ، این حرف عمادالدین طبری است در کامل بهائی ، این طور ، الحمدلله ، شما دین خدا را باید یاری کنید. پس ساوه ، اصفهان ، مازندان آن روز کانون حضرات آن سویی بود و حضرت بی بی فاطمه معصومه خواهر امام هشتم سلام الله علیها ، یا

همراهانش ، چند نفر بودند ، تفصیل اش را تاریخ ما دارد ، به ساوه که رسیدند در مسیرشان ، مردم ستوه در مقابل شان قیام کردند ، جنگ در گرفت و بسیاری از همراهان شان را کشتند ، چند تا برادران شان هستند که در آنجا الان بقعه و بارگاه دارند .

اسامی را حاضر ندارم اما یادداشت دارم ، بقعه و بارگاه دارند ، الحمدلله ، مردم ساوه الان مردم اهل ولایتند . الحمدلله ، الحمدلله ،

حرف آن روز را دارم عرض می کنم ، اصفهان الان اصفهان ولایت است . حرف آن روز را عرض می کنم ، الحمدلله رب العالمین ، یوم بتدل الارض غیر الارض شده است . شهر ولایت است ، مثل شهر شما ، شهر ولایت است ...

چند نفر از همراهان بی بی آنجا شهید شدند ، جنگ سختی در گرفت . تاریخ دارد ، تقدیر هم می کنیم از مردم قم آن روز ، که اینها شنیدند ، به یاری بی بی برخاستند . وقتی بی بی خواستند وارد قم شوند ، پیش از قوت ، نوشتند که شهر را آذین بستند ، چراغ آنی

کردند به میمنت و مبارکی مقدم حضرت بی بی ، این کار را هم کردند .

تقدیر می کنیم از ایشان ، آمدند در قم ، حالا آن همه راه ، در ساوه هم که این مشکل پیش آمده ، و آمدند به قم ، مریض شدند ، بیماری اش شدت کرده ، به روضه رضوان آرمیدند ، دیگر به خراسان نرسیدند ، دیگر دست مأمون به ایشان نرسیدند .

آنجا (قم) به روضه رضوان آرمیده است و دیگر به خراسان نرسیده است. خداوند شما اهل ولایت را عاقبت به خیر بفرماید.^۱

فصل اول

مولود

r a z v a . i r

وعده داده شده

۱- سخنرانی در جمع مردم در سالروز شهادت امام رضا(ع) / ۱۳۷۸

تولد نور

از ماه ذی‌قعدة برای حضرت کاظم و حضرت رضا علیهم السلام و دودمان نبوت ، پیام‌آور شادی و پایان یک انتظار طولانی است. زیرا حضرت نجمه علیها السلام فرزندی جز حضرت رضا(ع) نداشت ، مدت‌ها پس از ایشان صاحب فرزندی نشد (حضرت رضا(ع) در سال ۱۴۸ ه.ق و حضرت معصومه(س) در سال ۱۷۳ یعنی با ۲۵ سال فاصله متولد گردید) امام صادق(ع) نیز به ولادت چنین بانویی بشارت داده بود. روزی که حضرت معصومه(س) دیده به جهان گشود برای حضرت نجمه(س) و حضرت رضا(ع) و پدر بزرگوارشان ، روز شادی و سرور وصف ناپذیری بود. چرا که دختری از آسمان ولایت و امامت ، طلوع کرده بود که قلبها را جلا می‌داد و چشمها را روشن می‌کرد و کانون مقدس اهل بیت(ع) را گرم می‌نمود.

آن روز انتظار به سر آمد و حضرت معصومه(س) در مدینه منوره در ماه ذی‌قعدة سال ۱۷۳ ه.ق متولد گردید و او فروغی بود از کوثر و عطری دل‌انگیز از گل محمدی و شاخه‌ایی از طوبی که اصلها ثابت و فرعها فی السماء ... که جهان ملک و ملکوت را صفایی دیگر بخشید.

مادر حضرت معصومه (س)

حمیده مادر بزرگوار امام کاظم (ع) از مهاجران مغرب بود و به پیشنهاد امام باقر (ع) به همسری فرزندش امام صادق (ع) در آمده بود. امام صادق (ع) دربارهٔ مقام والای همسرش که مادر امام کاظم (ع) شد می‌فرماید:

« حمیده ماندهٔ شمس طلای خالص ، از ناپاکی‌ها و ناخالصی‌ها ، پاک است. فرشتگان او را همواره نگهداری کردند تا به من رسید، به خاطر کرامتی که خدا نسبت به من و حجت پس از من (فرزندش امام کاظم (ع)) عنایت فرمود.»^۱

حمیده بانویی آگاه و محدثه بوده و احادیثی را که از امام ستیق (ع) و دیگران شنیده بود همچون یک راوی مورد اعتماد به مردم نقل می‌کرد و در واقع یکی از اساتید مجامع علمی بانوان در عصر امام صادق (ع) محسوب می‌شود.

وی در حوزهٔ آموزش خویش با دختری از اهالی مغرب به نام « نجمه » آشنا شد. نجمه علوم اسلامی را از همسر امام صادق (ع) فرا می‌گرفت و نشانه‌های عقل و هوشیاری و ایمان به خدا از رفتار و سیرهٔ عملی وی مشهود بود.

حمیده می‌گوید: روزی که نجمه به خانه ما راه یافت، پیامبر (ص) را در عالم خواب دیدم که به من فرمود: « ای حمیده نجمه را به

۱- اصول کافی / ج ۲ ، ص ۴۷۷

پسرت موسی(ع) ببخش و همسر او کن، همانا به زودی بهترین فرد روی زمین از او متولد می‌شود. من به این دستور عمل کردم و نجمه را همسر فرزندم امام کاظم(ع) نمودم و از او حضرت امام رضا(ع) به دنیا آمد.^۲

پس از آنکه خانه حضرت موسی بن جعفر(ع) در مدینه با تولد این دختر ، عطری تازه یافت ، امام هفتم ، فرزند را در آغوش گرفت و پس از آنکه در گوش وی اذان و اقامه گفت؛ او را فاطمه نامید. نجمه، بانوی پرهیزگاری که تقدیر الهی او را از قبایل شمال آفریقا به خانه امام هفتم(ع) آورده بود، از شادی در پوست خود نمی‌گنجید. چرا که او ، پس از افتخار مادری علی بن موسی الرضا(ع) اینک با ولادت فاطمه معصومه(س) افتخار و شرافتی افزون یافت.

او هم مثل بسیاری از مردم مدینه ، این بشارت امام صادق(ع) را شنیده بود که در خانه پسرش (موسی بن جعفر(ع) دختری به نام فاطمه متولد خواهد شد که شیعیان با شفاعتش ، به بهشت می‌روند.^۱

۲- اعلام الوری / ص ۳۰۲

۱- فروغ مهتاب / سید حسین اسحاقی ، ص ۸۷

نامه

حضرت رضا(ع) به حضرت معصومه(س)

حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا(ع) نامه‌ای خطاب به خواهر گرامیش حضرت فاطمه معصومه(س) مرقوم فرموده و آن را توسط یکی از غلامانش به مدینه منوره ارسال فرموده است.

امام رضا(ع) به غلام دستور داد که در هیچ منزلی توقف نکند تا در اندک زمان ممکن آن رقیمه را به مدینه طیبه برساند.

آنگاه نشانی خانه حضرت موسی بن جعفر(ع) را برای او بیان فرمود تا از کسی نشانی نپرسد. غلام خود را به مدینه منوره رسانید و نامه امام هشتم را به خدمت حضرت معصومه(س) تسلیم نمود، حضرت فاطمه معصومه(س) به مجرد رسیدن نامه برادرش حضرت رضا(ع) خود را آماده سفر نمود.^۲

r a z v a . i r

۲- من لا یحضره الخطیب / ج ۴، ص ۴۶۱

در بیان آمدن

فاطمه بنت موسی بن جعفر علیها السلام به قم

همچنان که علامه مجلسی رحمه الله می‌فرماید: بدین طریق که ؛ ذکر کرده صاحب « تاریخ مشاهد و قبور واقع در بلده قم » پس گفته: قبر دختر موسی بن جعفر علیها السلام ، روایت کرده‌اند مشایخ قم ، زمانی که بیرون برد مأمون علی بن موسی الرضا (ع) را از مدینه به سوی مرو ، به سال دویست ، بیرون رفت فاطمه خواهر حضرت در سال دویست و یک از برای طلب نمودن برادر خود ، زمانی که رسید به ساده مریض شد، پس فرمود: « چقدر است از اینجا به قم ؟ »

عرض کردند: ده فرسخ می‌باشد.

پس فرمود به خادم خود : ((مرا ببر به قم)).

پس او را وارد قم نمود و در خانه موسی بن خزرج بن سعد واضع آن

است که زمانی که رسید خبر [آمدن] فاطمه به قم ، و آل سعد فهمیدند ، اتفاق نمودند که بیرون روند به استقبال آن مقدره ، که او را بیاورند به قم ، پس بیرون رفت از بین ایشان موسی بن خزرج ، پس زمانی که رسید موسی به فاطمه ، مهار ناقه او را گرفت و کشید تا به قم وارد نمود. او را در خانه خود ، و در آنجا بود تا ۱۶ روز یا ۱۷ روز بعد در همان جا از دنیا رفت و رفت به سوی رحمت الهی رضوان الله علیها، پس دفن نمود او را موسی بعد از تغسیل و تکفیل

، و در زمینی که مال خود موسی بود. که الان مدفن فاطمه علیها السلام می‌باشد، و بنا کرد بر قبر فاطمه سقفی از بوریا و این سقف بر پا بود تا آن که زینب دختر حضرت جواد (ع) از برای قبر او قبه‌ای بنا نمود.

و خبر داد مرا حسین بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه ، از احمد بن حسین الولید:

« زمانی که از دنیا رفت فاطمه علیها السلام غسل دادند و کفن نمودند او را و بردند او را به سوی بابلان و گذرادند بر زمین نزدیک ، سردابی که کنده بودند از برای فاطمه و اختلاف کردند طایفه سعد که کی برود در میان قبر و دفن نماید او را در آن سرداب؟ پس اتفاق کردند بر خادمی که برای ایشان بود ، او مرد پیر صالح با تقوایی بود، اسمش قادر بود، فاطمه را دفن نماید، در این خیال بودند دیدند دو سوار که شتاب کننده و به تعجیل آمدند، دهان خود را پیچیده بودند و از جانب رمله آمدند، پس زمانی که نزدیک شدند به جنازه و نماز خواندند بر فاطمه و داخل سرداب شدند و گرفتند ، جنازه را و دفن نمودند او را ، و بیرون آمدند از سرداب و سوار شدند و رفتند و ندانست احدی که چه کسی بودند این دو سوار؟ »^۱
 انتهی کلام علامه مجلسی (ره)^۲.

۱- بحار الانوار / علامه مجلسی ، ج ۴۸ ، ص ۲۹۰

۲- انوار المشعشعین / ج ۱ ، صص ۴۸۸ . ۴۸۹

در ذکر محراب عبادت

ستی فاطمه دختر موسی بن جعفر (ع)

علامه مجلسی (ره) می‌فرماید: «محراب عبادت فاطمه که نماز می‌کرد در آنجا، الان موجود است در خانه موسی بن خزرج»
 انتهای کلام علامه مجلسی (ره) نقل از تاریخ.

مؤلف (انوار المشعشعین) گوید: که محراب عبادت فاطمه در خانه موسی بن خزرج و خانه موسی و محراب در محله‌ای است که مشهور است در این زمان به میدان میر و آن خانه را الحال ستیه می‌نامند، و ستی به معنای بی‌بی و خانم است، چون که آن خانم آنجا منزل نموده از این جهت نسبت به او می‌دهند و ستیه می‌نامند. لکن تعجب این است که محراب عبادت او را نامیده‌اند به تنور حضرت، و مشهور و معروف در زبان عوام الناس و زوار که می‌آیند به زیارت آن مخدره به «تنور حضرت» است! و چه قدر بی‌ادبی

است که محراب عبادت آن مخدره را تنور حضرت نام گذارند و شاید نامیدن محراب را به تنور آن باشد که به شکل تنور گرد و مدور دور آن محراب را ساختند، لهذا به خیال مردم عوام و زوار که غریبند تنور حضرت می‌باشد، باید شخص زائر کمال معرفت را در حق آن مخدره داشته باشد، که ثواب زیارت را به مقدار معرفت می‌دهند، همچنان که حضرت امام رضا (ع) فرمودند: در ثواب زیارت

آن مخدره « کسی که زیارت کند او را در حالتی که عارف به حق او باشد. پس برای او بهشت است.»^۱

یعنی این مطلب بی‌معرفتی است در حق او ، که از برای او تنور قائل شوی و اخلاص خود را به این طریق اظهار کنی که من به زیارت تنور آن حضرت می‌روم، و حال آن که اگر ملاحظه کنی این همه ثوابی که از برای زیارت آن مخدره ، ائمه هدی(ع) فرمودند به جهت کمال معرفت او بوده ، در حق خدای تعالی و عبادت او با کمال معرفت و اخلاص بوده و در مدت ۱۶ روز یا ۱۷ روز که در قم زنده بود ، چنان عبادتی نمود که موضع عبادتش و محراب از آن زمان که سنهٔ دویست و یک از هجرت باشد تا این زمان که سنهٔ ۱۳۲۰ است باقی است. و این مطلب از آثار کمال معرفتش و اخلاص او بوده در عبادت پروردگار عالم ، و اهل قم به جهت زیادتی اخلاصشان به او و به جهت تبرک جستن به آن موضع شریف ، اطراف محرابش را ساختند که مفقود الاثر نشود.^۱

البته امروز ابن مکان نورانی و مقدس به بیت النور معروف و مشهور می‌باشد و مأمن و مأوی اهل دل و عاشقان به کریمهٔ اهل بیت می‌باشد.

۱- بحار الانوار / ج ۶۰ ، ص ۲۱۹

۱- انوار المشعشعین / ج ۱ ، صص ۴۸۹ و ۴۹۰

همراهان حضرت معصومه (س)

بیت عصمت و طهارت و تربیت شدگان محضر نورانی انوار مقدسه ائمه علیهم السلام ، هرگز بدون همراهان مسافرتی طولانی چون سفر از مدینه به مرو را طی نخواهند کرد. لذا به همین جهت آن بانوی آسمانی به همراه برادران و برادرزادگان گرمی‌اش قدم در این مسیر تاریخی نهادند.

بنا به روایتی در این سفر پنج تن از برادران آن حضرت ، به نامهای : « فضل ، جعفر ، هادی ، فاسم و زید » و تعدادی از برادرزادگان ، و تنی چند از غلامان و کنیزان به سوی ایران حرکت نمودند.

رنج این سفر سخت قابل تحمل بود اگر به روایت نورانی امام رضا (ع) ختم می‌شد. اما وقتی این کاروان نورانی قدم در سرزمین ساوه نهاد - ساوه بر عکس اکنون که از شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام هستند در آن عصر مأمن و مأوی دشمنان اهل بیت بوده

است - مورد حمله و آزار آنها واقع گشتند و جنگ سختی در گرفت و نتیجه آن چیزی جز شهادت برادران و برادرزادگان آن حضرت نبود. از این رو روایت اجسام نورانی آغشته به خون برادران و عزیزان باعث حزن و اندوه فراوان آن لطیفه الهی و کریمه عظمی شد ، و این اندوه ره‌آوردش بیماری سخت آن بزرگوار بوده است!

وصیت نامه امام هفتم (ع)

۱- ریاض الأنساب / ص ۱۶۰ (به نقل از کریمه اهل بیت ، ص ۱۷۴)

برای آنکه به دلایل ازدواج نکردن حضرت معصومه سلام الله علیها آشنا شویم باید گذری به وصیت نامه نورانی امام کاظم (ع) بنمائیم. مرحوم کلینی متن کامل وصیت نامه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را در کافی شریف آورده است. امام هفتم حضرت موسی بن جعفر (ع) در این وصیت نامه پس از آن که همه فرزندان را به تبعیت از امام رضا (ع) فرمان می‌دهد، در مورد فرزندان می‌فرماید: «هر کدام از آنها اگر بخواهند تزویج کند، بدون اجازه و فرمان امام رضا (ع) چنین حقی را ندارد، زیرا او به مصالح قومش در امر ازدواج از همه آنها آگاهتر است.»

در فرازی دیگر از همین وصیت نامه می‌فرماید:

«هیچ یک از دخترانم را نباید برادران مادری، سلاطین و یا عموهایشان شوهر دهند، مگر با نظر و مشورت حضرت رضا (ع) اگر بدون اجازه او به چنین کاری اقدام کنند، با خدا و رسول خدا مخالفت ورزیده‌اند و در سلطنت خدا منازعه نموده‌اند، زیرا او به مصالح قومش در امر ازدواج آگاهتر است.»

پس هر کسی را او تزویج کند اطاعت کند و هر کسی را او تزویج نکند فرمان برد.»^۱

این وصیت نامه در منابع حدیثی فروانی به همین تعبیر آمده^۲، و هرگونه شک و تردید را در این زمینه از بین برده است.

۱- اصول کافی / ج ۱، ص ۳۷۷

در این وصیت نامه حضرت موسی بن جعفر (ع) با این تعبیرهای قاطع و روشن به فرزندان خود اعلام می‌کند که حجت خدا بعد از وی حضرت رضا (ع) است و باید در هر موردی از جمله مسئله ازدواج از او اطاعت کنند، روی این بیان فرمایش یعقوبی بی‌اساس است و نمی‌توان بر آن اعتماد کرد.

مرحوم قرشی نقل یعقوبی را صریحاً مجعول اعلام کرده است.^۱



۲- عیون اخبار الرضا / ج ۱، ص ۲۶ و بحار / ج ۴۸، ص ۲۸۶ و عوالم / ج ۲۱، ص ۴۷۵

۱- حیاة الامام موسی بن جعفر (ع) / ج ۲، ص ۴۹۷

اطلاعات کوتاه در زندگی حضرت معصومه (س)

نام مقدس : فاطمه کبری

لقب شریف: حضرت معصومه - سلام الله علیها -

پدر بزرگوارش: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

مادر گرامی‌اش: حضرت نجمه خاتون

ولادت با سعادت: اول ذی‌عقدۀ الحرام ۱۷۳ه.ق

محل ولادت : مدینۀ منوره

ورود به قم: ۲۳ ربیع المولود ۲۰۱ه.ق

هدف از مسافرت: دیدار برادر

رحلت جانگداز: دهم ربیع‌الثانی ۲۰۱ه.ق

سن مبارک: ۲۸ سال

محل عبادتش در قم: بیت النور (مدرسه سستیه ، میدان میر)

پاداش زیارت: بهشت برین

فصل دوم



محدثه اهل بیت (ع):

حضرت معصومه سلام الله عليها در سنين كودكي به مقامی رسيد كه به راحتی می توانست به پرسشهای فقهی و عقیدتی پاسخ بگوید، و پاسخ هایش مورد پذیرش و شگفت پدر بزرگوارش قرار بگیرد.

طبق نقل برخی از ثقات ، مرحوم سيد نظرالله مستنبط (داماد مرحوم آیه الله خویی) از كتاب نفيس و بی نظير « كشف اللئالی » نقل کرده كه روزی جمعی از شیعیان وارد مدینه شدند و تعدادی پرسش در نامه ای نوشته و به خاندان امامت بردند.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در سفر بود و امام رضا(ع) نیز در مدینه نبود، هنگامی كه آن گروه از مدینه قصد عزیمت داشتند ، از اینکه خدمت امام (ع) نرسیده بودند و با دست خالی به وطن خود بر می گشتند بسیار اندوهگین بودند.

حضرت معصومه سلام الله عليها كه در آن ایام هنوز به سن بلوغ نرسیده بودند از مشاهده غم و اندوه آنان متأثر شد و لذا پاسخ پرسشهای آنان را نوشت و به آنها عنایت كرد.

شیعیان مدینه را با سرور و شادی ترك كردند در بیرون مدینه با امام كاظم(ع) مواجه شدند و هنگامی كه داشتان خود را گفتند و دست خط حضرت معصومه سلام الله عليها را ارائه دادند، امام(ع) شادی و ابتهاج خود را با این جمله بیان فرمودند:

« فداها ابوها » پدرش به فدایش.

این داستان جالب و پراچ را مرحوم « مستنبط » از کتاب « کشف اللغالی » تالیف دانشمند نامی شیعه در قرن نهم ؛ « ابن العرندس » متوفی حدود ۵۸۴۰ ق نقل فرموده است.

این کتاب به طبع نرسیده و نسخه خطی آن در کتابخانه شوشتریهای نجف اشرف است که دسترسی به آن را نداریم.^۱



۱- کریمه اهل بیت / علی اکبر مهدی پور ، ص ۱۷۰ ، چ اول ، نشر حافظ

روایت اول:

حافظ شمس الدین محمد بن محمد جزری شافعی - متوفای ۸۳۳ ه.ق - کتاب بسیار ارزشمندی به نام: «اسنی المطالب فی مناقب سیدنا علی بن ابی طالب» تالیف کرده ضمن احادیث غدیر خم حدیثی را از حضرت زهراء سلام الله علیها با سند متصل نقل کرده است. که حضرت معصومه سلام الله علیها در سلسله سند آن قرار گرفته است و متن آن سند:

روایت کرده استاد ما خاتمه الحفاظ: ابوبکر محمد بن عبدالله بن محب مقدسی،

از ام محمد، زینب دختر احمد بن عبدالرحیم مقدسی

از ابومظفر محمد بن فتیان بن مسینی

از ابو موسی محمد بن ابی بکر حافظ،

قاضی ابوالقاسم عبدالواحد بن محمد بن عبدالواحد مدینی

از ظفر بن داعی علوی - در استرآباد -

از پدرش (داعی بن مهدی)

و ابو احمد بن مطرف مطرفی هر دو

از ابو سعید ادریسی

از ابوالعباس محمد بن محمد بن حسن رشیدی (از تبار هارون

الرشید در سمرقند)

از ابوالحسن محمد بن جعفر حلوانی

از علی بن محمد بن جعفر اهوازی (غلام هارون)
 از بکر بن احمد قصری
 از فاطمه دختر علی بن موسی الرضا
 از « فاطمه » ، زینب ، ام کلثوم دختران موسی بن جعفر
 از فاطمه بنت امام صادق (ع)
 از فاطمه دختر محمد بن علی (امام باقر (ع))
 از فاطمه بنت علی بن الحسین (امام سجاد)
 از فاطمه و سکینه دختران حسین بن علی (ع)
 از ام کلثوم دختر فاطمه بنت رسول الله (ص)
 از فاطمه بنت رسول الله (ص) که فرمود:
 «سیتیم قول رسول الله (ص) یوم غدیر خم « من کنت مولاه فعلي مولاه » او
 قوله (ص) « أنت منی بمنزله هارون من موسی (ع) »
 آیا فراموش کردید فرمایش رسول خدا (ص) را در روز غدیر خم که
 فرمود: من مولای هر که باشم علی نیز مولای او است.^۱

r a z v a . i r

روایت دوم:

۱- أسنی المطالب / صص ۴۹ - ۵۱ و أسمی المناقب فی تهذیب أسنی المطالب ، صص ۳۲ -
 ۳۳ و ارجع المطالب صص ۴۴۸ - ۵۷۱ و البدر الطالع ، ج ۲ ، ص ۲۹۷ و عبقات ، ج ۲ ، ص ۹۷۷
 و الغدیر ، ج ۱ ، ص ۱۹۷ و احقاق الحق ، ج ۶ ، ص ۲۸۲

ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی مشهور به «ابن رازی» از محدثین والاء مقام قم و معاصر شیخ صدوق، که او از شیخ صدوق و شیخ صدوق نیز از او روایت کرده و از او به عنوان «فقیه قم» تعبیر نموده است.^۲

از این محدث گرانقدر ۲۲۰ جلد کتاب ارزنده به یادگار مانده است که از آن جمله است کتاب «مسلسلات»^۳. وی در کتاب مسلسلات حدیثی را با سلسله اسنادش از حضرت معصومه سلام الله علیها روایت کرده است و اینک متن حدیث و سند آن :

حدیث کرد مرا محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق)

از احمد بن زیاد بن جعفر

از ابوالقاسم جعفر بن محمد علوی عریضی

از ابو عبدالله احمد بن محمد بن خلیل

از علی بن محمد بن جعفر اهوازی

از بکر بن احنف

از فاطمه دختر علی بن موسی الرضا(ع)

از «فاطمه» [حضرت معصومه] و زینب و ام کلثوم دختران

موسی بن جعفر (ع)

از فاطمه دختر جعفر بن محمد (امام صادق) علیه السلام

از فاطمه دختر محمد بن علی (امام باقر) علیه السلام

۲- توحید صدوق / صص ۸۸ و ۴۱۷

۳- نوابغ الرواه / ص ۶۹ و الذیعه / ج ۲۱، ص ۲۱

از فاطمه دختر علی بن الحسین (امام سجاد) علیه السلام
از فاطمه و سکینه دختران امام حسین علیه السلام
از ام کلثوم دخت گرامی امیرالمؤمنین علی علیه السلام
از حضرت فاطمه دختر رسول خدا (ص) از پدر بزرگوارش رسول
اکرم(ص) که فرمود:

« شبی که مرا به آسمان - معراج - بردند داخل بهشت شدم ، در
آنجا کاخی از در سفید دیدم که وسط آن خالی بود، برای آن کاخ
دری بود مزین شده با در و یاقوت ، که روی آن پرده‌ای آویزان بود،
چون سرم را بلند کردم ، دیدم که بر فراز آن در نوشته شده:

« لا اله الا الله ، محمد رسول الله ، مکي ولي القوم»

و بر روی پرده نوشته شده بود:

« بخ بخ ، من مثل شيعه علي »

به به ، چه کسی همسنگ شيعه علی (ع) است؟

چون وارد کاخ شدم ، در آنجا قصری دیدم از عقیق شرح که

وسطش خالی بود این قصر نیز دری داشت که با زبرجد سبز مزین
شده بود و بر روی آن پرده‌ای آویخته بود.

چون سرم را بلند کردم، دیدم که بر فراز در نوشته شده:

« محمد رسول الله ، علي وصل المصطفي »

و بر روی پرده نوشته شده:

« بشر شيعه علي بطيب المولد »

شیعیان علی (ع) را با حلال زادگی بشارت باد.

چون داخل شدم با قصر دیگر مواجه گشتم، که از زمرد سبز و هرگز زیباتر از آن ندیده بودم ، دری داشت از یاقوت قرمز ، که با انواع لؤلؤها تزئین شده بود و بر روی آن پرده‌ای آویزان بود.

چون سرم را بلند کردم ، دیدم که بر روی پرده نوشته شده:

« شیعه علی هم الفائزون » یعنی ؛ شیعیان علی(ع) رستگارانند.

گفتم: ای حبیبم جبرئیل را این کاخ از آن کیست؟ پ گفت:

« یا محمد لابن عمک و وصیک علی بن ابی طالب (ع) یحشر الناس

کلهم یوم القیامه حفاه عراه إلا شیعه علی ، و یدعی الناس بأسماء امهاتهم

ما خلا شیعه علی ، فإنهم یدعون بأسماء آبائهم. »

« یا محمد (ص) این کاخ از آن پسر عمو و وصی‌ات علی بن

ابی‌طالب(ع) است که هر کسی در روز قیامت لخت و عریان محشور

می‌شود به جز شیعیان علی(ع) و همگان با نام مادرشان خوانده

می‌شوند ، به جز شیعیان علی(ع) که آنها را با نام پدرانشان صدا

می‌زنند.»

گفتم: ای حبیبم جبرئیل، راز آن چیست؟ گفت:

« لأنهم أحبوا علیاً فطاب مولدهم »

« برای این است که آنها علی (ع) را دوست داشتند، پس ولادتشان

از طریق حلال انجام گرفت»^۱

علامه مجلسی پس از نقل این حدیث شریف از کتاب «مسلّلات» در توضیح آخرین فراز حدیث می‌فرماید:

«شاید مقصود این باشد که چون ارواح شیعیان در عالم «الست» بر ولایت امیر مؤمنان ایمان آوردند، پس خداوند ولادت آنها را به صورت پاک و پاکیزه مقدر فرمود و آنها حلال‌زاده متولد شدند.»^۲

محدث قمی به هنگام نگارش شرح حال مؤلف از کتاب مسلّلات بحث کرده و حدیث فوق را تیمناً نقل فرموده، سپس افزوده است.

«من این کتاب را در کتابخانه استاد میرزای نوری دیدم.»^۱

برخی از فضلالی معاصر این حدیث را از ینابیع الموده نقل کرده^۲ ولی ما بعد از مراجعه به چندین نسخه ینابیع الموده آن را نیافتیم.

روایت سوم:

شیخ محمد محمد بن محمد بن احمد چشتی داغستانی، در کتاب «اللؤلؤة المثنیه» از سید محمد غماری شافعی روایت کرده که در کتاب خود حدیثی را نقل کرده که ۱۷ تن «فاطمه» در سند آن قرار گرفته است و به این شرح می‌باشد:

۲- بحار الانوار / ج ۶۸، ص ۷۷

۱- الفوائد الرضویه / ص ۶۰

۲- مسند فاطمه / ص ۲۹۴ به نقل از ینابیع الموده، ص ۲۵۷

از فاطمه دختر حسین رضوی

از فاطمه دختر محمد رضوی

از فاطمه دختر ابراهیم رضوی

از فاطمه دختر حسن رضوی

از فاطمه دختر محمد موسوی

از فاطمه دختر عبدالله علوی

از فاطمه دختر حسن حسینی

از فاطمه دختر ابوهاشم حسینی

از فاطمه دختر محمد بن احمد بن موسی مبرقع

از فاطمه دختر احمد بن موسی مبرقع

از فاطمه دختر موسی مبرقع

از فاطمه دختر ابوالحسن امام رضا(ع)

از فاطمه دختر حضرت موسی بن جعفر(ع)

از فاطمه دختر جعفر بن محمد امام صادق(ع)

از فاطمه دختر محمد بن علی امام باقر(ع)

از فاطمه دختر علی بن الحسین امام سجاد(ع)

از فاطمه دختر ابوعبدالله الحسین(ع)

از فاطمه دختر امیرالمؤمنان(ع)

از حضرت فاطمه سلام الله علیها دختر رسول خدا(ص) از حضرت

رسول اکرم(ص) که فرمود:

«ألا من مات علي حب آل محمد مات شهيداً»

آگاه باشید که هر کس با محبت آل محمد بمیرد شهید از دنیا رفته است.^۱

روایت چهارم:

حدثنا احمد بن الحسين المعروف بأبي علي بن عبدويه قال

حدثنا الحسن بن علي السكري قال

حدثنا محمد بن زكريا الجوهري قال

حدثنا العباس بن بكار قال

حدثني الحسن بن يزيد

عن فاطمه بنت موسي

عن عمر بن علي بن الحسين

عن فاطمه بنت الحسين (ع)

عن اسماء بنت ابي بكر

عن صفيه بنت عبدالمطلب قالت:

« لما سقط الحسين (ع) من بطن امه و كنت و ليثها قال النبي (ص): يا

عمه علمي إلي إبنِي ، فقلت ؛ يا رسول الله (ص) إنا لم نطفه بعد ،

فقال (ص) يا عمه أنت تنظفيه؟ إن الله تبارك و تعالي قد تطفه و طهره»^۱

۱- الؤلؤه المثنيه / ص ۲۱۷ و عوالم / ج ۲ ، ص ۳۴۵ و آثار الحجه / ص ۸

۱- محمد هادی الامینی - الصحيح : اسماء بنت عميس فان فاطمه بنت الامام الحسين (ع) تروی عن بنت عميس لا عن بنت ابي بكر، كتاب « فاطمه بنت الحسين (ع) » ص ۸۹ و فاطمه بنت الامام

از صفیه نقل شده است:

« آنگاه که امام حسین(ع) از مادر متولد شد، من پرستاری کودک را بر عهده داشتم. پیامبر خدا فرمود: عمه! فرزندم را برای من بیاور. گفتم: یا رسول الله(ص) ما او را پاک نکرده‌ایم ، فرمود: ای خواهر پدر ، تو می خواهی او را پاکیزه گردانی؟ همانا خداوند تبارک و تعالی او را پاکیزه گردانیده و مطهرش نموده است.»^۱

روایت پنجم:

در صورتی که سخنان آن حضرت را با زوارش را هم که دارای وثاقت تامه می‌باشند را هم جز روایات و کلمات آن حضرت بیاوریم نیز کاری بایسته می‌باشد زیرا که این سخنان نیز دارای ارزشهای معرفتی بالایی را به همراه دارند.

مثلا جناب محدث کبیر نوری رحمه الله در کتاب شریف دارالسلام می‌گوید:

حضرت معصومه علیها السلام می‌فرماید:

« انا المعصومه اخت الرضا(ع) »

من معصومه خواهر امام رضا(ع) هستم.^۲

موسی الکاظم(ع) / ص ۶۱ - ۶۳ و اعلام النساء المؤمنات / ص ۵۷۹. البته در بعضی از کتب دیگر مثل الامالی شیخ صدوق / ص ۱۱۷ و بحار الانوار / ج ۴۳ ، ص ۲۴۳ سند فرق دارد و اسمی از حضرت معصومه یعنی فاطمه بنت موسی(ع) ذکر نشده است.

۱- مسند فاطمه / سید علی رضا سید کباری ، صص ۶۸ - ۶۹

۲- دارالسلام / محدث نوری ، ج ۲، ص ۱۷

روایت ششم:

حضرت معصومه(س) هنگامی که در ساوه مریض شدند به اطرافیانش فرمودند: « مرا به قم ببرید، زیرا از پدرم شنیدم که فرمود: شهر قم مرکز شیعیان ما می‌باشد.»^۳



۳- دریای سخن / سقا زاده تبریزی به نقل از بارگاه فاطمه معصومه تجلیگاه فاطمه زهراء / سید جعفر میر عظیمی ، ص ۳۹

رضوا (محل وحی، عقل و عشق)

razva.ir

فصل سوم



معصومه

القاب هر کسی به واسطه صفتی است که در صاحبش بارز و ظهور دارد. یعنی تا در کسی صفتی چون کرم غالب نباشد، وی به لقب کریم ممتاز نخواهد شد. و القاب نورانی دیگر نیز به همین طریق صادر خواهد شد.

پس حضرت فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام را بخاطر تجلی نور عصمت در آن ذات مقدسه از لسان مبارک و نورانی ائمه به لقب شریفه معصومه معروف و مشهور گشته است. در صورتی که بخواهیم به معنای و حقیقت عصمت برسیم باید به کلام بزرگان استشهد شود:

استاد علامه حسن زاده آملی در کتاب شریف «شرح فص حکمه عصمیه فی کلمه فاطمیه» در مورد حقیقت عصمت می فرماید:

«حقیقت عصمت نیرویی نوری و ملکوتی است که دارنده اش را از

هر چه که موجب عیب و زشتی انسان است - از قبیل پلیدی گناهان و آلودگیها و سهو و نسیان و دیگر رذایل نفسانی - عاصم و حافظ است. و آن کسی که صاحب عصمت است از لغزش در تلقی وحی و دیگر القاءات سبوحی آن سوئی مصومن است، و در جمیع شئون عبادی و خلقی و روحانی و جز آنها از اول امر محفوظ است.»^۱

۱- شرح فص حکمه عصمیه فی کلمه فاطمیه / ص ۱۵۳

مهمتر آنکه این لقب نورانی « معصومه » را امام هشتم علیه السلام به خواهر گرامی‌شان اعطاء فرموده‌اند. از آنجا که می‌فرماید:

« من زار المعصومه بقم کمن زارني »

هر کسی حضرت معصومه را در قم زیارت کند همانند کسی که مرا زیارت کرده باشد.^۲

این حدیث نیز یکی از ادله‌ایی است که می‌توان به سرحاح برای عصمت حضرت معصومه اقامه نمود

و همچنین علامه محدث نوری در رویای صادق خود از زبان حضرت معصومه (س) ، سخنی را نقل می‌کند که مطابق آن لقب خودش را معصومه می‌خواند. که اینک متن این داستان را از زبان محدث شهیر و کم‌نظیر علامه بزرگوار مرحوم میرزا حسین نوری - متوفای ۱۳۲۰ هـ.ق را می‌آوریم:

این واقعه یکی از معجزات باهرات باب الحوائج الی الله حضرت موسی بن جعفر (ع) است و حضرت معصومه - سلام الله علیها - در این

داستان نقش دارند. و میرزای نوری این داستان را از شخص صاحب قضیه - بدون واسطه- شنیده و در کتاب شریف دارالسلام آورده است و ما اینک ترجمه آن را به محضر شریف شیفتگان آن حضرت تقدیم می‌داریم.

یکی از نشانه‌های قدرت پروردگار که دلها را از زنگار شیطان پاکیزه می‌سازد. این است که در ایام مجاورت ما با حرمین شریفین

۲- ناسخ التواریخ / ج ۳ ، ص ۶۸

کاظمین (علیهما السلام) در بغداد یک مرد نصرانی به نام « یعقوب » زندگی می کرد که به بیماری «استسقاء» دچار شده بود. هر قدر به پزشکان مراجعه کرد، نتیجه نگرفت، تا مرض کاملاً شدت یافت و او را رنجور ساخت و از پا انداخت، آن مرد نصرانی می گفت: در آن ایام من همه اش از خدا می خواستم که مرا یا شفا دهد و یا به وسیله مرگ از آن مرض رهائی بخشد.

در حدود سال ۱۲۸۰ هجری بود که شبی روی تخت خوابیده بودم ، در عالم رؤیا یک آقای بزرگوار بلند قد و بسیار نورانی را دیدم که در کنار بستر من حضور یافت و تخت مرا حرکت داد و فرمود: « اگر خواهی از این بیماری شفا پیدا کنی ، تنها راهش این است که به شهر کاظمین مشرف شوی و کاظمین (ع) را زیارت نمائی تا از این مرض رهائی یابی.»

او می گوید: من از خواب بیدار شدم ، رؤیای خود را برای مادرم نقل کردم ، مادرم گفت: این خواب خواب شیطانی است! آنگاه صلیب و

زنار آورد و بر گردنم آویخت.

یک بار دیگر به خواب رفتم و در عالم رؤیا بانوی مجلله ای را دیدم که سرتاسر بدنش پوشیده بود ، تخت مرا حرکت داد و فرمود: برخیز که صبح صادق طلوع کرده است، مگر پدرم با تو شرط نکرد که به زیارت او مشرف شوی تا تو را شفا عنایت کند!

پرسیدم: پدر شما کیست؟

فرمود: امام موسی بن جعفر (ع) است.

پرسیدم: شما کیستید؟

فرمود: « انا المعصومه اخت الرضا(ع) »

من معصومه خواهر حضرت رضا(ع) هستم.

چون از خواب بیدار شدم در حیرت بودم که چکنم و کجا بروم؟! به دلم افتاد که به خانه سید جلیل القدر سید راضی بغدادی بروم.

به منزل سید راضی بغدادی واقع در مجله « رواق » بغداد رفتم، حلقه در را کوبیدم از پشت در صدا زد کیستی؟ گفتم: باز کن.

هنگامی که صدای مرا شنید، دخترش را صدا کرد و گفت: دخترم در را باز کن او یک نفر مسیحی است که می‌خواهد به شرف اسلام مشرف شود.

هنگامی که در باز شد و به خدمتش شرفیاب شدم، عرض کردم ، از کجا متوجه شدید که من مسیحی هستم و قصد تشریف به اسلام را دارم؟

فرمود: جدم - امام کاظم(ع) - در عالم رؤیا به من خبر داده بود.

آنگاه مرا به کاظمین برد و در کاظمین به محضر شیخ جلیل القدر شیخ عبدالحسین تهرانی (رحمه الله علیه) رفتیم ، من سرگذشت خود را برای او نقل کردم او دستور داد که مرا به حرم مطهر ببرند.

پس مرا به حرم مطهر بردند و در اطراف ضریح مقدس مرا طواف دادند.

در داخل حرم اثر ظاهر نشد ولی چون از حرم بیرون آمدم پس از گذشت اندک زمانی عطش بر من غلبه کرد، اب خوردم و حالم دگرگون شدو بر زمین افتادم.

با همین افتادن همه چیز تمام شد و گوئی کوهی به پشت من بود و برداشته شد. ورم بدنم رفع گردید و زردی چهره‌ام به سرخی مبدل گشت و هیچ اثری از بیماری در وجود من باقی نماند.

به بغداد رفتم که از موجودی خود چیزی برای هزینه زندگی بردارم ، خویشان و بستگانم از سرگذشت من آگاه شدند ، مرا به خانه یکی از اقوام بردند که مادرم آنجا بود و گروهی در آنجا گرد آمده بودند. مادرم به من گفت: « رویت سیاه باد ، رفتی و از دین خود خارج شدی؟ »

گفتم: « مادر ببین ، از مرض و بیماری هیچ اثری نمانده است»
مادرم گفت: « این سحر است!»

سفیر دولت انگلستان که در مجلس حضور یافته بود به عمویم گفت:

« اجازه بدهید که من او را تأدیب کنم، زیرا امروز او خودش کافر شده ، فردا همه ایل و تبار ما را کافر می‌کند.»!

آنگاه به دستور او مرا لعنت کردند و بر روی زمین خوابانیدند و با

چیزی که « قریاچ » = شلاق نامیده می‌شود، بر بدنم نواختند.

قریاچ عبارت از یک رشته سیم بود که چیزهای تیزی چون سوزن بر سر سیمها نهاده بودند.

سرتاسر بدنم خون آلود شد، ولی اصلاً احساس درد نمی‌کردم. خواهرم ، چون وضع اسفناک مرا مشاهده کرد، خودش را به روی من انداخت ، تا شلاق زن‌ها از من دست کشیدند و به من گفتند: هر کجا که می‌خواهی برو.

به سوی کاظمین(ع) برگشتم و به خدمت مرحوم شیخ عبدالحسین مشرف شدم و شهادتین را به من تلقین کرد. و من رسماً به شرف اسلام مشرف شدم.

به هنگام عصر بود که از طرف « نامق پاشا » استاندار متعصب و لجوج بغداد فرستاده‌ای به خدمت شیخ عبدالحسین آمده و نامه‌ای آورد که در آن نوشته بود : یکی از رعیت‌های ما که تبعه فرنگ است به خدمت شما آمده که وارد اسلام شود ، او باید در نزد قاضی حاضر شود و در آنجا آئین اسلام را برگزیند.

شیخ عبدالحسین فرمود: « بلی آن شخص نزد من آمد و سپس دنبال کارش رفت. »

مرحوم شیخ مرا مخفی کرد، آنگاه مرا به کربلا فرستاد و در آنجا ختنه شدم ، سپس به زیارت نجف اشرف مشرف شدم، آنگاه توسط مرد نیکوکاری مرا به اصطهبانات - از توابع شیراز - فرستاد.

یک سال تمام در بلاد فارس اقامت نمودم ، آنگاه به عتبات بازگشتم.

داستان او در اینجا تمام نمی‌شود بلکه دنباله دارد، که به جهت اختصار به همین مقدار بسنده می‌کنیم، علاقمندان به متن دارالسلام مراجعه فرمایند.^۱

کریمه اهل بیت:

پدر بزرگوار مرحوم آیه العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی ، بسیار علاقمند بود که به هر طریقی شده محل قبر شریف حضرت صدیقه طاهره را بدست آورد. برای این مقصود ختم مجربی انتخاب کرده و چهل شب مداومت نمود تا شاید به طریقی او را از محل قبر شریف حضرت زهراء (س) آگاه فرمایند.

شب چهلم بعد از انجام ختم و توسل فراوان استراحت کرد، در عالم

رؤیا به محضر مقدس حضرت باقر(ع) یا حضرت صادق(ع) مشرف شد. (تردید از طرف مرحوم آیه الله مرعشی(ره) به هنگام نقل است)

امام(ع) به ایشان فرمود:

« عليك بکریمه اهل البیت » یعنی: بر تو باد توسل به کریمه اهل

بیت.

۱- دارالسلام / ج ۲ ، صص ۱۶۸- ۱۷۱

ایشان به تصور تینکه منظور امام(ع) از کریمه اهل بیت حضرت زهرا(س) است عرضه داشت: بلی قربانت گردم ، من نیز این ختم را برای همین گرفتم که محل قبر شریف آن حضرت را به صورت دقیق تر بدانم و به زیارتش مشرف شوم.

امام (ع) فرمودند: منظور من قبر شریف حضرت معصومه(س) در قم است.

سپس اضافه فرمودند:

به جهت مصالحی خداوند اراده فرموده است که محل قبر شریف حضرت زهرا(س) برای همیشه از همگان مخفی باشد و لذا قبر حضرت معصومه را تجلیگاه قبر شریف حضرت زهرا(س) قرار داده است. اگر قرار بود قبر حضرت زهرا(س) ظاهر باشد هر جلال و جبروتی که برای آن قبر شریف مقدر بود ، خداوند متعال همان جلال و جبروت را به قبر مطهر حضرت معصومه(س) قرار داد است. مرحوم مرعشی هنگامی که از خواب برخاست تصمیم گرفت که

رخت سفر بربندد و به قصد زیارت حضرت معصومه(س) رهسپار ایران شود. او بلافاصله مهبای سفر شده با همه اعضای خانواده اش نجف اشرف را به قصد زیارت «کریمه اهل بیت» ترک نمود.

مرحوم مرعشی به سال ۱۳۳۸هوق در نجف اشرف درگذشت، فرزند برومندش مرحوم آیه الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی به سال ۱۳۴۲هق رهسپار ایران شد، پس از توقف کوتاهی در تهران به سال ۱۳۴۳هق وارد حوزه علمیه قم گردید و برای همیشه در جوار

کریمه اهل بیت رحل اقامت افکند تا در شب هشتم ماه سفر ۱۴۱۱ هـ.ق دیده از جهان فرو بست.^۱

شفیعه روز جزاء

بعد از رسول گرامی اسلام(ص) دو تن از خاندان آن حضرت شفاعت گسترده‌ای دارند که بسیار وسیع است:

۱- حضرت فاطمه الزهرا(س)

۲- حضرت فاطمه معصومه(س)

بعد از صدیقه طاهره ، از جهت گستردگی شفاعت هیچ بانویی به شفیعہ محشر، حضرت معصومه (س) دخت موسی بن جعفر (ع) نمی‌رسد. امام صادق(ع) در این رابطه می‌فرماید:

بانویی از فرزندان من به نام دختر موسی(ع) در آنجا (قم) رحلت می‌کند که با شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می‌شوند.^۲

۱- کریمه اهل بیت(ص) / علی اکبر مهدی پور ، صص ۴۳-۴۵

۲- بحار الانوار / ج ۶۰ ، ص ۲۱۶

و در فرازی از زیارت نامه‌اش نیز می‌خوانیم:

« یا فاطمه اشغعی لی فی الجنه »

یعنی ؛ ای فاطمه - معصومه - در بهشت برای ما شفاعت کن.

نکته:

یکی از سفارش‌های آیه الله مرعشی نجفی در وصیت نامه‌اش به فرزندش این گونه است که:

« و سفارش می‌کنم که جنازه مرا رو به روی مرقد مطهر بی بی فاطمه معصومه علیها السلام قرار داده و در این حال یک سر عمامه‌ام را به ضریح مطهر و سر دیگر را به تابوت بسته ، به عنوان دخیل و در این هنگام مصیبت وداع مولای من حسین مظلوم با اهل بیت طاهرینش را بخواند. »^۱

نکته

حضرت آیه الله حاج شیخ محمد ناصری دولت‌آبادی که در دولت آباد اصفهان خدمات برجسته‌ای دارند و دل‌های مشتاقان را به طرف حضرت صاحب الزمان (عج) سوق می‌دهند، از پدر بزرگوارشان مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد باقر ناصری ، متوفای ۱۴۰۷ ه.ق نقل فرمودند که در ایام اقامتشان در نجف اشرف ، در جلسه‌ای که در منزلشان بزرگوار بود، بر فراز منبر داستان جالبی را در رابطه با حضرت معصومه سلام الله علیها به شرح زیر بیان فرمودند:

۱- فرازی از وصیت نامه الهی، اخلاقی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی(ره) // ص ۲۴

در سال ۱۲۹۵ه در اطراف قم قحطی و خشکسالی شدیدی پدید آمد، اغنام و احشام در اثر کمبود علوفه در معرفی تلف قرار گرفتند. اهالی آن منطقه چهل نفر از افراد متدین و شایسته را انتخاب کردند و به قم فرستادند. تا در صحن مطهر حضرت معصومه - سلام الله علیها - به بست بنشستند، تا شاید از عنایات آن کریمه اهل بیت خداوند متعال پاران بفرستد و منطقه را از خطر خشکسالی نجات دهد.

سه شبانه روز آن گروه چهل نفری در حرم مطهر خاتون دو سرا به بست می‌نشینند، شب سوم یکی از آن چهل نفر مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم قمی را خواب می‌بیند.

میرزای قمی در عالم رؤیا به او می‌فرماید: « چرا در اینجا به بست نشسته‌اید؟ » او می‌گوید: مدتی است در محل ما باران نیامده ، اغنام و احشام در معرض تلف قرار گرفته‌اند.

میرزا می‌فرماید: « برای همین »

می‌گوید: بلی

مرحوم میرزا می‌فرماید: « این که چیزی نیست، این مقدار از دست ما نیز ساخته است، هنگامی که شما حوائج این طوری داشتید به ما مراجعه کنید، ولی هنگامی که شفاعت عالم را خواستید ، در آن هنگام دست توسل به طرف این شفیعه روز جزا دراز کنید.»

این رؤیای صادق مؤید است با حدیث شریف امام صادق(ع) که می‌فرماید:

« همه شیعیان ما با شفاعت آن حضرت وارد بهشت می‌شوند.»^۱
 مؤید دیگر این خواب ، رؤیای صادقه دیگری است که مربوط است به خاتمه محدثین مرحوم حاج شیخ عباس قمی، محدث قمی این خواب را شخصاً در عالم رؤیا دیده‌اند و آن را بر فراز منبر نقل کرده‌اند.

یکی از افرادی که در پای منبر حضور داشته و آن را بدون واسطه از محدث قمی شنیده ، یکی از تجار مورد اعتماد قم به نام آقای صابری بوده که به رحمت خدا واصل شده است.
 دوست دانشمندم حجه‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ جعفر توسلی که از فضایل شایسته و مهذب حوزه علمیه است آن را بدون واسطه از مرحوم صابری شنیده است.
 آقای توسلی از مرحوم صابری روایت می‌کند که روزی مرحوم حاج شیخ عباس قمی در تیمچه بزرگ قم ، به مناسبت ایام فاطمیه منبر رفته بود ، بر فراز منبر فرمود:

شبی میرزای قمی - صاحب قوانین الاصول - را در عالم رؤیا دیدم از محضر مقدسشان سؤال کردم: « آیا شفاعت اهل قم به دست حضرت معصومه - سلام الله علیها - می‌باشد.»

با قیافه اعجاب انگیزی به طرف من نگاه کرد و فرمود:
 « شفاعت اهل قم با من است ، شفاعت عالم با حضرت معصومه - سلام الله علیها - می‌باشد.»^۱

۱- مجالس المؤمنین / ج ۱ ص ۸۳ و بحار / ج ۶۰، ص ۲۱۶

القاب دیگر

علاوه بر القاب معروف و مشهور « معصومه » و « کریمه اهل بیت » و « شفیعۀ روز جزاء » دیگر القاب شریفه آن حضرت به شرح ذیل می باشد:

- ۱- طاهره
- ۲- حمیده
- ۳- بره
- ۴- رشیده
- ۵- تقیه
- ۶- نقیه

۷- رضیه

۸- مرضیه

۹- سیده

۱۰- اخت الرضا

این القاب دهگانه در زیارت نامه‌ای که در کتاب «انوار المشعشعین» برای ابن خاتون دو سرا نقل شده است، مطرح شده است:

« السلام عليك ايها الطاهره الحميده البره الرشيده النقيه الرضيه المرضيه...»

سلام بر تو ای پاک سرشت و پاک روش ، ای ستوده ، ای نیکوکار ، ای بانوی رشید یافته و پاک و پاکیزه ، ای بانوی شایسته و پسندیده
۲
...

این زیارت نامه غیر از زیارتنامه مشهوری است که علامه مجلسی از امام رضا(ع) روایت کرده است.

در زیارت نامه دیگری که مولی حیدر خوانساری ، استاد آغا حسین

خوانساری (متوفای ۱۰۹۸ ه.ق) در کتاب پراچ « زبده التصانیف » برای حضرت معصومه - سلام الله علیها - نقل کرده است.

دو لقب دیگر برای آن حضرت آمده است، که عبارتند از :

۱۱- صدیقه

۱۲- سیده النساء العالمین^۱

۲- انوار المشعشعین / ج ۱، ص ۲۱۱

۱- زبده التصانیف / ج ۶، ص ۱۵۹

فصل چهارم



معرفت به حضرت معصومه (س)

بارگاه کریمه اهل بیت یادواره انوار زهرا(س) است، در میان ما قبه‌ای از بهشت است که در پرتو کرامتش ، شیخ صدوق ، شیخ طوسی ، میرزای قمی ، ملاصدرا ، فیض کاشانی و امام خمینی و ... در سایه نورانیتش رشد یافتند و آسمانی گشتند.

بیائید قدر معصومه(س) این طوبای سایه‌گستر را بشناسیم و حریمش را پاس بداریم.

منقول از بزرگان است که حضرت امام (ره) در باره حضرت معصومه(س) می‌فرماید: که اگر حضرت معصومه را می‌خواهید بشناسید باید خدمت ملاصدار بروید و ابتداء ملاصدار را بشناسید ، هر چند که ما چه می‌دانیم که ملاصدرا کیست؟ و ما ادراک ملاصدار ؟ و حال آنکه ملاصدرا هم به زبان آورد که ما کجا و شناخت حضرت معصومه کجا؟ آری و ما ادراک المعصومه؟

او می‌داند که با حضور در این محضر مبارک و نورانی ، چه مقامی درک خواهد شد و مقیم چه مقامی خواهیم شد.

زیرا آنکه به حرم می‌رود باید که محرم باشد. محرم است که می‌بیند و می‌چشد. و می‌یابد، و می‌شود آنچه را که می‌یابد.

زیرا که « من زارها عارفاً بحقها فله الجنة »^۱

۱- بحار الانوار / ج ۱۰۲، ص ۲۶۶

آری کسی که با معرفت به شأن و مقام او ، او را زیارت کند بهشت از برای او است. و یا «زیارتش معادل بهشت است.»^۲ ارق ورق. همه از این بجر بی‌پایان متنعم خواهند شد زیرا که بهشت مراتب دارد و هر کسی به مقدار معرفت و درک مقامش بهره می‌برد.

شخصی همچون ملاصدرای شیرازی می‌آید و نشستن در محضر نورانی این بانوی آسمانی بزرگترین نظرات فلسفی و حکمی خویش را مانند اتحاد و عاقل و معقول و حرکت جوهری را در می‌یابد و بواسطه توجه آن عزیز نورانی می‌داند و شخصی دیگر نیز حل مشکل معیشتی خویش را و یا تشفی فلان بیماری لاعلاج خویش را از ایشان می‌خواهد.

پس هر کس به اندازه ظرفیت جدول وجودی خویش از این نورانیت بهره‌مند می‌شوند.

ارق ورق.

r a z v a . i r

واسطه فیض الهی

انسان در اثر عبادت و بندگی خداوند متعال می‌تواند مظهر اراده حق و واسطه فیض الهی گردد، این ثمره عبودیت اطاعت کامل از ذات اقدس الهی است.

در حدیث قدسی می‌فرماید:

«ای فرزند آدم ... مرا اطاعت کن تا تو را چنان نمایم که (به عنایت من) هر آنچه را اراده کنی همان شود.»^۱
امام صادق (ع) می‌فرماید:

«العبودية جوهره کنها الربوبیه»

یعنی؛ بندگی خداوند گوهری است که نهایت و باطن آن فرمانروایی بر موجودات است.^۲

اولیاء الهی در راه بندگی و اطاعت، گوی سبقت را از دیگران ربوده و این راه را خالصانه پیموده‌اند آنها هم در زندگی پر برگت خویش و هم بعد از آن، منشاء کرامت و عنایاتی بوده‌اند که آثار یک عمر اخلاص و وارستگی آنها است.

از دیر زمان آستان مقدسه حضرت معصومه (س) منشاء کرامت و عنایت زیادی بوده است و چه قلب‌های ناامیدی که سرشار از امید به فضل و کرم الهی شده و از درگاه پرفیض این کریمه اهل بیت با

۱- مستدرک الوسائل / ج ۲، ص ۲۹۸

۲- مصباح الشریعه / باب ۱۰۰ (به نقل از میزان الحکمه)

دلی شاد برگشته‌اند، این‌ها همه، نشانه بزرگی و عظمت روح آن بانوی بزرگوار است.

فضیلت زیارت حضرت معصومه(س)

بعد از زیارت چهارده معصوم(ع) ، برای زیارت حضرت معصومه(س) ترغیب و تشویق فراوانی صورت گرفته است. در پاداش زیارت زائران حضرت معصومه(س) تعبیرات ارزشمندی چون اهل بهشت ، بهشت از آن اوست، بهشت بر او واجب است ، وارد شده است و ارزش زیارت آن کریمه اهل بیت معادل بهشت و هم سنگ زیارت امام هشتم(ع) قرار داده شده است.

امام رضا(ع) می‌فرماید: « من زارها فله الجنة »

یعنی؛ هر کسی او را زیارت کند بهشت از آن او است.^۱

و امام جواد(ع) هم فرمودند: « من زار عمی بقم فله الجنة »^۲

یعنی؛ هر کس عمه‌ام را در قم زیارت کند بهشت از آن او است.

همچنین امام صادق(ع) می‌فرماید:

« ان لله حرماً و هو مکه و لرسوله حرماً و هو المدینه و لامیرالمؤمنین حرماً

و هو الکوفه و لنا حرماً و هو قم و ستدفن فیہ امرأه من ولدی سمي فاطمه

من زارها وجبت له الجنة »

۱- عیون اخبار الرضا / ج ۲ ، ص ۲۷۱

۲- کامل الزیارت / ص ۳۲۴

خدا را حرمی است و آن مکه است ، رسول خدا را حرمی است و آن مدینه است، امیرالمؤمنان را حرمی است و آن کوفه است و اهل بیت را حرمی است و آن قم است. به زودی بانویی به نام «فاطمه» از فرزندان من در آن جا دفن می‌شود که هرکس او را زیارت کند بهشت بر او واجب است.

راوی می‌گوید: امام صادق(ع) این سخن را زمانی فرمود که هنوز مادر حضرت موسی بن جعفر او را به دنیا نیاورده بود.^۳
باز هم از امام صادق(ع) روایت شده است:

« ان زیارتها تعادل الجنه »

زیارت حضرت معصومه همسنگ بهشت است.^۱
و نیز فرموده‌اند:

« تقبض فیها إمرأه هی من ولدی و اسمها فاطمه بنت موسی تدخل بشفاعتها شیعتنا الجنه بأجمعهم »

در قم بانویی از فرزندان من است و نام گرامیش فاطمه دختر موسی(ع) است، رحلت کند و با شفاعت او همه شیعیان و (چنانچه شرایط شفاعت را داشتند) وارد بهشت می‌شوند.^۲

امام رضا(ع) خطاب به سعد بن سعد احزم می‌فرماید:

یا سعد ! من زارها فله الجنه او « هو من اهل الجنه »

۳- تاریخ قم / ص ۲۱۴

۱- تاریخ قم/ ص ۲۱۵

۲- بحار الانوار / ج ۶۰، ص ۲۲۸

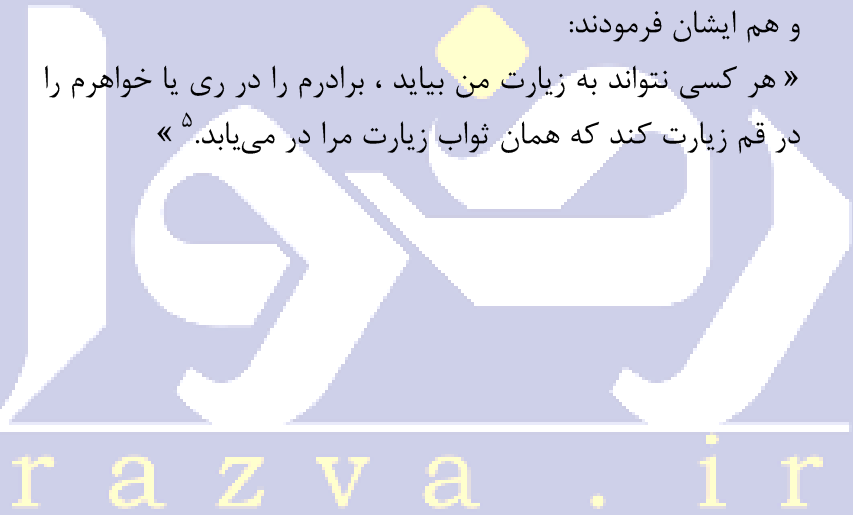
ای سعد! هر کس او را زیارت کند بهشت از آن او است و یا او اهل بهشت است.^۳

و نیز از امام رضا(ع) روایت شده است که: « من زار المعصومه بقم کمن زارني »

هر کس حضرت معصومه(س) را به قم زیارت کند همانند کسی است که مرا زیارت کرده باشد.^۴

و هم ایشان فرمودند:

« هر کسی نتواند به زیارت من بیاید ، برادرم را در ری یا خواهرم را در قم زیارت کند که همان ثواب زیارت مرا در می یابد.^۵ »



۳- مجالس المؤمنین / ج ۱ ، ص ۸۳

۴- ناسخ التواریخ / ج ۳ ، ص ۶۸

۵- زبده التصانیف / ج ۶ ، ص ۱۵۹

زیارت نامه مخصوص

یکی از ویژگیهای استثنائی حضرت معصومه(س) زیارت نامه‌ای است که حضرت رضا(ع) در شأن او صادر فرموده است. علامه مجلسی(ره) از بعضی از کتب زیارات از علی بن ابراهیم و او از سعد اشعری قمی نقل می‌کند که گفت:

در محضر امام رضا(ع) بودم، به من فرمود: ای سعد از برای ما در نزد شما در قم قبری وجود دارد. سعد عرض کرد قربانت گردم آیا مقصود شما قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر(ع) است؟ امام رضا(ع) فرمود:

« نعم من زارها عارفاً بحقها فله الجنة »

آری، کسی که با معرفت به شأن او ، او را زیارت کند بهشت از برای او است.

سپس حضرت رضا(ع) چگونگی زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه(س) را برای سعد چنین بیان داشت:

وقتی کنار قبرش رفتی در نزد بالای سر آن حضرت رو به قبله بایست و ۳۴ بار الله اکبر و ۳۳ بار سبحان الله و ۳۳ بار الحمد لله بگو ، آنگاه بخوان! السلام علی آدم صفوه الله تا آخر زیارت.^۱

۱- بحار الانوار / ج ۲ و ۳ ، ص ۲۶۶

آداب زیارت

شایسته است زائر حریم خاندان عصمت و طهارت نکات زیر را در زمینه آداب زیارت به جا آورد:

۱- در طول مسافرت از کارهای لغو و بیهوده و انجام کار ناصواب به شدت پرهیز کند که چه بسا مانع قبولی زیارت و دیگر اعمال انسان بشود.

۲- به هنگام تشریف به زیارت حتماً با وضو بوده و پیش از ورود غسل زیارت کند.

۳- لباس‌های پاکیزه بپوشد و خود را خوشبو سازد.

۴- در آستانه بایستد و اذن دخول بخواند هر وقت دلش رقت پیدا کرد آن را نشانه اذن بشمارد و با توجه به اینکه حرم یکی از بیوتات رسول اکرم (ص) و محل نزول فرشتگان است با خضوع و خشوع و توجه کامل وارد حرم شود.

۵- برای دیگر زائران ایجاد مزاحمت ننماید.

۶- در احترام به زوار و خدام تلاش کند زیرا احترام آنها، احترام امامان و امامزادگان است.

۷- در حرم امامزادگان در طرف بالای سر رو به قبله بایستد و زیارت کند، سعی کند متن زیارت را با توجه کامل و تلفظ صحیح بخواند.

۸- بعد از زیارت دو رکعت نماز زیارت در بالای سر یا مسجد متصل به حرم بخواند و در نماز زیارت بهتر است که در رکعت اول بعد از حمد سوره مبارکه «یس» و در رکعت دوم سوره مبارکه «الرحمن» بخواند.

۹- در قنوت نماز زیارت، حاجتهای مؤمنان دیگر و خود را از خدا بخواهد که یکی از موارد استجاب دعا است و در رأس همه حوائجش برای فرج حضرت بقیه الله (عج) دعا کند.

۱۰- بعد از زیارت و نماز، در دعا و مناجات تلاش کند.

۱۱- بعد از زیارت نامه و نماز و دعا، با حفظ ادب و رعایت حق تقدم دیگران و عدم ایذاء زائران، خود را به کنار ضریح مقدس برساند و صورت بر ضریح مطهر نهاده با خدای خود راز و نیاز کند و موقع مراجعت پشت به حرم نکند.

۱۲- از طرف پدر، مادر، خویشان، دوستان، حقداران، سفارش کنندگان و همه شیعیان امیرالمؤمنان (ع) به نیابت زیارت کند.

۱۳- در حرم مطهر مقداری از قرآن را با دقت تلاوت کند و به امامزاده‌ای که در حضورش هست اهداء نماید.

۱۴- در مدت اقامتش در مشهد مشرفه، زیاد به حرم تشریف یافته و سعی کند نمازهایش را در حرم مطهر و در صورت امکان با جماعت بخواند.

- ۱۵- هنگام تودیع حرم، زیارت وداع بخواند و از خدا بخواهد که آخرین زیارت او نباشد.
- ۱۶- بعد از مراجعت از زیارت سعی کند تا نورانیت بدست آمده همچنان در او باقی بماند.^۱



زیارت معروفه

علامه مجلسی در ضمن روایتی که از سعد بن سعد احوص ، از امام رضا(ع) در پیرامون فضیلت زیارت حضرت معصومه - سلام الله علیها - روایت کرده است ، کیفیت زیارت آن حضرت را از محضر مقدس امام رضا(ع) به شرح زیر نقل فرموده است.

هنگامی که به کنار قبر آن حضرت آمدی ، در نزد بالای سر آن حضرت رو به قبله بایست و بگو:

الله اکبر - ۳۴ مرتبه -

سبحان الله - ۳۳ مرتبه -

الحمد لله - ۳۳ مرتبه -

آنگاه بگو:

اَلسَّلَامُ عَلٰی اَدَمَ صَفْوَةَ اللهِ ، اَلسَّلَامُ عَلٰی نُوحٍ نَّبِيِّ اللهِ ، اَلسَّلَامُ
سلام بر حضرت آدم برگزیده خدا ، سلام بر حضرت نوح پیامبر خدا ، سلام
عَلٰی اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللهِ ، اَلسَّلَامُ عَلٰی مُوسٰى كَلِيْمِ اللهِ ، اَلسَّلَامُ
بر حضرت ابراهیم دوست خدا، سلام بر حضرت موسی هم صحبت خدا، سلام
عَلٰی عِيسٰى رُوْحِ اللهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُوْلَ اللهِ ، اَلسَّلَامُ
بر حضرت عیسی روح الله ، سلام بر تو ای رسول خدا ، سلام

عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
بر تو ای بهترین خلق خدا ، سلام بر تو ای برگزیده خدا ، سلام بر تو
يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ ، خَاتَمَ النَّبِيِّينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
ای محمد بن عبدالله، خاتم پیامبران، سلام بر تو ای امیر مؤمنان
عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ،
علی بن ابی طالب، وصی رسول خدا ، سلام بر تو ای فاطمه
سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطِي نَبِيَّ الرَّحْمَةِ ، وَ
ای بزرگ بانوی بانوان، سلام بر شما ای دو سبط پیامبر رحمت ، و
سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ
ای دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای علی بن الحسین ای سرور
الْعَابِدِينَ وَ قُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ،
عبادت پیشگان ای فروغ دیده بیندگان ، سلام بر تو ای محمد بن علی
بَاقِرِ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ
ای شکافنده علم بعد از پیامبر، سلام بر تو ای جعفر بن محمد،
ای راستگوی
الْبَارِّ الْأَمِينِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرِ الطَّاهِرِ الطُّهْرَ ،
نیکوکار امین ، سلام بر تو ای موسی بن جعفر ، ای پاک
و پاکیزه ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا المُرْتَضَى ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای علی بن موسی ، ای پسندیده ، سلام بر تو
یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ
ای محمد بن علی ، ای خویشان دار ، سلام بر تو ای علی بن محمد پاک سرشت
التَّاصِحِ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلِي
و خیرخواه ، سلام بر تو ای حسن بن علی ، سلام بر
الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ نُورِكَ وَ سِرَاجِكَ، وَ وَلِيِّ وَلِيِّكَ
وصی بعد از او ، بار خدایا صلوات بفرست بر نور و چراغ روشن گرت ، بر ولی و ولایت
، وَ وَصِيِّ وَصِيِّكَ ، وَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
، و وصی وصیت ، بر حجت خود بر بندگان ، سلام بر تو ای
بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ ، السَّلَامُ
دختر رسول خدا ، سلام بر تو ای دختر فاطمه و خدیجه ، سلام
عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَ
بر تو ای دختر امیر مؤمنان ، سلام بر تو ای دختر امام حسن و

<p>الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ</p>
<p>امام حسین ، سلام بر تو ای دختر ولی خدا ، سلام بر تو ای خواهر</p>
<p>وَلِيِّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ</p>
<p>ولی خدا ، سلام بر تو ای عمه ولی خدا ، سلام بر تو ای دختر</p>
<p>مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ ، عَزَفَ</p>
<p>موسی بن جعفر ، رحمت و برکات خدا بر تو باد. سلام بر تو ، خداوند آشنایی</p>
<p>اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ ، وَ حَشَرْنَا فِي زُمْرَتِكُمْ، وَ أَوْرَدْنَا حَوْضَ</p>
<p>برقرار کند میان ما و شما در بهشت ، و ما را در زمره شما محشور کند، و ما را بر حوض</p>
<p>نَبِيِّكُمْ، وَ سَقَانَا بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ،</p>
<p>پیامبر شما وارد کند، و ما را با کاسه جد شما از دست علی بن ابی طالب سیراب کند ،</p>
<p>صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ السَّرُورَ وَ الْفَرَجَ ، وَ</p>
<p>– صلوات خدا بر شما باد – از خداوند می خواهیم که سرور و فرج شما را به ما بنمایاند ، و</p>
<p>أَنْ يَجْمَعَنَا وَ إِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ</p>
<p>ما و شما را در زمره جد بزرگوارتان حضرت محمد که درود خدا بر او و آلش</p>

باد - گرد آورد
أَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ ، إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٌ ، اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ وَ
و معرفت شما را از ما نگیرد، که او صاحب اختیار و مقتدر است به سوی خداوند تقرب
الْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ التَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ ، رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ وَ لَا
می جویم با محبت شما و بیزاری از دشمنان شما، و با تسلیم شدن به فرمان خدا، از روی
مُسْتَكْبِرٍ وَ عَلِيٍّ يَقِينٍ مَا أَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ رَاضٍ ، نَطْلُبُ بِذَلِكَ
رضایت، نه انکار و نه استکبار، و با یقین به آنچه حضرت محمد(ص) آورده و به آن راضی
وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي ، اَللَّهُمَّ وَ رِضَاكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ ، يَا
هستم، با این عقیده عنایت ترا می طلبم، ای سرور من، خدایا رضایت ترا و سرای آخرت را
فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ ،
خواستارم. ای فاطمه(معصومه) در مورد بهشت از من شفاعت کن، که ترا نزد خدا مقام
اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ،
رفیعی است. خداوند من از تو می خواهم که عافیت امر مرا به سعادت ختم کنی، پس
وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اَللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا ، وَ

<p>عقایدی که دارم از من‌نگیر، که هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند بزرگ و والا نیست. خداوندا</p>
<p>تَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَ عِزَّتِكَ ، وَ بِرَحْمَتِكَ وَ عَافِيَتِكَ ، وَ صَلَّى اللهُ</p>
<p>دعایم را مستجاب کن، و آن را به کرم و عزت و رحمت و عافیت خوداز من قبول فرما، بر</p>
<p>عَلِيٍّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ ، وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .</p>
<p>محمدهومه اهلیت او صلوات فراوان و مورد بی‌پایان بفرست ای بخشنده بخشندگان.</p>

زیارت غیر معروفه

... و ایضاً نوع دیگر در زیارت حضرت معصومه در کتب معتبره و سند صحیحه یافت شده و آن این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« السلام علی محمد خاتم النبیین ، السلام علی سید المرسلین ، السلام

علی حبیب رب العالمین و رحمه الله و برکاته ، السلام علی امیر المؤمنین ،

السلام علی سید الوصیین ، السلام علی حجه رب العالمین و رحمه الله و

برکاته.

السلام علی البتول العذراء ، و الأنسیه الحوراء ، بنت خیره سید الأنبیاء ،

و أم الأئمه النجباء و جلیله سید الأوصیاء ، فاطمه الزهراء سیده نساء

العالمین و رحمه الله و برکاته.

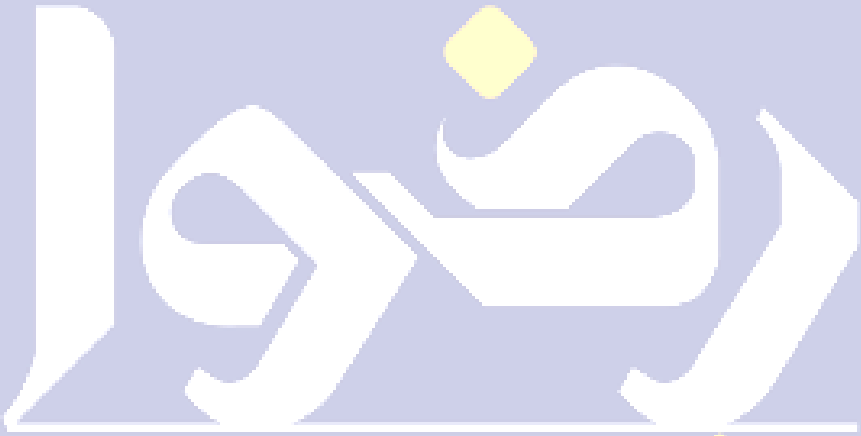
السلام علي الإمامين الهامين النورين النيرين ، المطهرين الطاهرين ،
الشهيدین المظلومین ، الحسن و الحسين ، سيدي شباب اهل الجنة و
التسعة المعصومين من ذرية الحسين عليهم السلام و رحمه الله و بركاته.
السلام عليك يا فاطمه يا بنت موسى بن جعفر و حجتة و أمينة و رحمه الله
و بركاته.

السلام عليك يا فاطمه يا أخت الرضا المرتضي المجتبي و رحمه الله و
بركاته.

السلام عليك ايها الطاهرة الحميدة ، البره الرشيدة و التقيه النقيه الرضيه
المرضيه و رحمه الله و بركاته.

أشهد انهم الأئمة الراشدون المهديون ، المعصومون المكرمون المقرمون
المنتقون ، الصادقون ، و ان الحق معهم و فيهم و اليهم و أن من و الهم
فقد و الي الله و من عاداهم فقد عادى الله ، أتيتك يا سيدي يا فاطمه ،
زائراً لك عارفاً بحقك ، و بحق أخيك و آباءك الأبطال ، طالباً فكاك رقبتي
من النار ، و ملتسماً منك الشفاعة اذا امتاز الأخيار من الاشرار ، فاشفعي
لي عند ربك و آباءك الأبرار ، فانك من أهل بيت لا يخسر من تولاهم ، و
لا يخيب من آباهم ، اللهم انه قد جاءني الخير عن الصادقين من أهل بيت
نبيك عليهم أفضل الصلاه و السلام: « أن من زار فاطمه بقم فله الجنة »
فها أن ذا يا الهي قد جئتها زائراً لها عارفاً بحقها ، فصل علي محمد و آل

محمد ، و أنفعني بزيارتها ، و لاتحرمني ضفاعتها ، و ارزقني الجنة كما وعدتها ، إنك علي شيء قدير ، برحمتك يا ارحم الراحمين.»^۱



توجه امام رضا(ع)
به زیارت حضرت معصومه(س)

یکی از اهل علم نقل نمود که شخصی رفته بود به زیارت حضرت رضا(ع) و برگشته بود به طرف کربلا می‌رفت و عبور خود را از همدان قرار داده بود در بین راه حضرت امام رضا(ع) را در خواب

۱- انوار المشعشعین / ج ۱ ، صص ۴۹۳ و ۴۹۴

دید که آن حضرت به او فرموده بود که : چه گونه می شد اگر عبود خود را از قم می دادی و قبر خواهر غریب مرا زیارت می کردی»^۱

زیارت حضرت حجت(عج) قبر حضرت معصومه(س)

آقای آقا سید عبدالرحیم (ره) نقل نموده است:
شبی خواب دیدم که در روی قبرستان بزرگ قم جمعیت زیادی می باشد و شخص بزرگواری دیدم که از زیر بازارچه سوار بر اسی بیرون آمد و شخص دیگر عقب او ، به یک مرتبه شنیدم کسی را که می گفت: این حضرت حجت علیه السلام می باشد.

می گوید: تا شنیدم همراه او رفتم تا در صحن ، پیاده شدند ، دیدم احدی در صحن نمی باشند، الا حضرت و آن شخص که همراه او بود ، درب صحن کهنه رسیدند پیاده شدند ، سر افسار اسبش را داد به

دست من که نگاه دارم با خود گفتم که آیا نگاه داشتن اسب خوب است یا آن که همراه حضرت بودن؟ آخر در نزد خود خیال کردم که همراهش بودن بهتر است و سر دهنه اسب را دادم به همان شخصی که همراه او بود، و رفتم از عقب حضرت، و داخل شدند ، حضرت به رواق حضرت معصومه در بالای سر حضرت و احدی از خدام در آنجا نبودند ، پیش خود خیال کردم که حضرت آمده به زیارت و

۱- انوار المشعشعین / ج ۱ ، صص ۴۹۵-۴۹۶

کسی نیست که زیارت نامه بخواند و خیال کردم که دیگر نزد حضرت حجت بروم و در نزد خود گفتم شاید بخواهد خلوت باشد و با عمه خود تکلماتی کند، و من نباشم نزد حضرت بهتر است، لهذا خود را از میان رواق کنار کشیدم، و درب رواق ایستادم، همین قدر جوهر صدای مبارک او را می شنیدم، لکن چیزی نمی فهمیدم، که چه فرمایش می کند، تا آن که از میان رواق بیرون آمدند و از صحن نو بیرون آمدند و من از عقب ایشان بیرون آمدم و دیگر ایشان را ندیدم، هر چه تفحص نمودم.^۱



نکته:

مرحوم آقای حاج آقا حسین فاطمی رحمه الله علیه راجع به استادش، مرحوم آقای حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می نویسد:

۱- انوار المشعشعین / ج ۱، صص ۴۹۵-۶

برای رفتن به زیارت حضرت معصومه علیها السلام بسیار جدیت داشتند و با داشتن مرض قلب ، همه روزه به حرم مشرف می شدند.^۲ بلکه از بعضی از آثار گذشتگان مانند نوشته شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی استفاده می شود که زیارت حضرت معصومه (س) ، اختصاصی به شیعه نداشته و بلکه اهل سنت و علماء و دانشمندان آنان نیز به زیارت بانوی بهشتیان می رفته اند و عبارت او در این مورد ، چنین است: و اهل قم به زیارت فاطمه ، بنت مطهره موسی بن جعفر (ع) روند که ملوک و امراء و علماء حنفی و شافعی به زیارت آن تربت تقرب نمایند.^۳

نکته:

عالم بزرگوار ، آیه الله احمدی میانجی نقل کردند: که مرحوم آیه الله آقای میرزا رضی تبریزی رضی الله از مجتهدین بزرگ برای فاتحه جناب زکریا بن آدم که در قبرستان شیخان قم مدفون است به آنجا رفته بودند.

۲- فاطمی، سید حسین / جامع الدرر ، ج ۲، ص ۲۲۸

۳- قزوینی رازی، عبدالجلیل / النقص ، ص ۶۴۳

۴- کریمی جهرمی / بانوی ملکوت ، صص ۹۶-۹۷

در حال قرائت فاتحه به این فکر می‌روند که آیا زکریا بن آدم با آن جلالت قدر و رفعت مقام و روایاتی که در شأن او از ائمه طاهرين عليهم السلام ، وارد شده ، بالاتر است یا حضرت معصومه(س)؟ ناگهان یک نفر که کلاه نمدی بر سر داشته پیش می‌آید و به ایشان می‌گوید: آن بالا را بخوان، ایشان اعتنا نمی‌کند. بعد که آن مرد ، می‌رود ایشان نگاه می‌کند و می‌بیند ، در آنجا نوشته شده است:

السلام علی ارواح محمد و آل محمد فی الارواح ، السلام علی اجساد محمد و آل محمد فی الاجساد.

یعنی؛ سلام بر ارواح محمد و آل محمد در میان ارواح و سلام بر اجساد محمد و آل محمد در میان اجساد، در این هنگام متوجه شدم که آن شخص به ظاهر معمولی ، درون مرا خوانده و از فکر من راجع به فضیلت زکریا بن آدم یا حضرت معصومه آگاهی داشته و با امر کردن به قرائت از موضع مخصوص ، خواسته است تا مشکل مرا رفع کند و مسأله مرا پاسخ بدهد که حضرت معصومه(س) از آل

محمد(ص) است و حساب او جدا است و هیچ کس را نمی‌توان با آل محمد(ص) مقایسه کرد!^۲

۱- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

احدی از این امت را با آل محمد(ص) مقایسه نتوان کرد و کسانی که ریزه خوار نعمت آل محمدند، به آنان برابر نخواهند شد. آنان اساس دین و پایه‌های یقین‌اند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲)

۲- بانوی ملکوت / صص ۶۵ - ۶۶

فصل پنجم

اطلاعاتی کوتاه در باب
قم و حرم مطهر

razva . ir

اسامی قم

مناسب است که اولاً تبرک بجوئیم در فضیلت بلده قم به این آیه شریفه بسم الله الرحمن الرحيم « سبحان الذي اسري بعبده ليلاً من المسجد الحرام الي المسجد القصي الذي باركنا حوله »^۱ مراد از این مسجد اقصی بیت المقدس می باشد و این فضیلتی که خلاق عالم در این آیه شریفه از برای بیت المقدس فرموده است ممکن است که بگوئیم شامل این بلده طیبه قم هم باشد. زیرا که حضرت امام علی النقی (ع) فرمود:

« در قم منطقه ای است از بیت المقدس »

بدان که از برای بلده طیبه قم اسم های بسیاری است که از اخبار مستفاد می شود و آنها را استخراج نمودیم از آن اخباری که در شرافت قم وارد شده است ، هر چند این اسماء علم نیستند، مگر کلمه قم ، لکن صحیح است اطلاق این اسماء را ، و زیادتی اسماء

دلالته بر زیادتی شرافت و فضیلتش می کند:

و این اسامی شریف عبارتند از :

۱- قم^۲

۱- سورة مبارکه اسراء / آیه ۱

- ۲- زهراء^۳
- ۳- ارض الجبل^۴
- ۴- قطعه من بيت المقدس^۱
- ۵- مجمع انصار القائم^۲
- ۶- حرم اهل بيت^۳
- ۷- مطهره^۴
- ۸- مقدسه^۵
- ۹- حجه على البلاد^۶
- ۱۰- بحر^۷
- ۱۱- مأوى للفاطميين^۸
- ۱۲- مستراحاً للمؤمنين^۹ = محل استراحت

۲- علامه مجلسی(ره) در بحار دارد: در شب معراج ، پیغمبر(ص) دید ابلیس را ، که در بقعه قم نشسته بود ، پس فرمود: از برای او قم ، بایست و برخیز ، پس از این جهت نامیده شد به قم . /

ج ۶۰ ، ص ۲۱۸

۳- بحار الانوار / ج ۶۰ ، ص ۲۱۷

۴- بحار الانوار / ص ۱۸ ، ج ۴۰۷ و ج ۶۰ ، ص ۲۱۸

۱- بحار الانوار / ج ۶۰ ، ص ۲۱۳

۲- همان / ج ۶۰ ، ص ۲۱۶

۳- همان / ج ۶۰ ، ص ۲۱۶

۴- همان / ج ۶۰ ، ص ۲۱۸

۵- همان

۶- همان / ج ۶۰ ، ص ۲۱۲

۷- همان / ج ۶۰ ، ص ۲۱۲

۸- همان / ص ۲۱۴

- ۱۳- عش آل محمد^{۱۰}
- ۱۴- معدناً للشيعة^{۱۱}
- ۱۵- كوفه صغيره^{۱۲}
- ۱۶- مأوى لشيعة آل محمد^{۱۳}
- ۱۷- معدناً للعلم و الفضل^۱
- ۱۸- مقصم الجبارين^۲
- ۱۹- مذاب الجبارين^۳
- ۲۰- بلد الأئمه^۴
- ۲۱- بلد لشيعة الأئمه^۵
- ۲۲- أمان للخائفين^۶
- ۲۳- مفزع للمؤمنين^۷
- ۲۴- مفر للهاريين^۸

۹- همان

۱۰- همان / ص ۲۱۴

۱۱- همان / ص ۲۱۲

۱۲- همان

۱۳- همان

۱- بحار الانوار / ج ۶۹، ص ۲۱۳

۲- همان

۳- همان / ص ۲۱۷

۴- همان

۵- همان

۶- همان / ص ۲۱۴

۷- همان / ص ۲۱۵

۲۵- المدفوعه عنها البلاء^۹

۲۶- المرفوعه عنها البلاء^{۱۰}

۲۷- مفتوحه اليها باب الجنه^{۱۱}

۲۸- البلد الأمين^{۱۲}

۲۹- مختار البلاد^۱،^۲

اطلاعات کوتاه از

تاریخچه حرم مطهر حضرت معصومه (س)

پس از دفن کریمه اهل بیت ، موسی بن خزرج سایبانی از بوریا بر مزار قبر شریفش قرار داد.

آنگاه زینب دختر امام جواد(ع) قبه‌ای از آجر بر فراز آن بنا کرد. در سال ۴۱۳ ه.ق حرم مطهر با کاشیهای نفیس مزین شد.

در سال ۵۲۹ ه.ق گنبد جدیدی بنیاد گردید.

۸- همان

۹- همان / ص ۲۱۴

۱۰- همان / ص ۲۱۷

۱۱- مجالس المؤمنین / ج ۱ ، ص

۱۲- رک : انوارالمشعشعین / ج ۱ ، صص ۳۲۶ الی ۳۵۴

۱- بحار الانوار / ج ۶۰ ، ص ۲۱۳

۲- همه این اسامی از کتاب شریف انوارالمشعشعین / ج ۱ ، صص ۲۶۱

- ۲۶۲ استخراج شده است.

در سال ۵۹۲ ه. ق گنبد مطهر را تجدید بنا نمودند
به سال ۱۲۱۸ ه. تذهیب گنبد مطهر پایان یافت
در آن تاریخ روی گنبد با ۱۲۰۰۰ خشت طلا مزین گردید.
قصیده معجزیه مربوط به همین تاریخ است.
ضریح نقره‌ای به سال ۱۲۷۵ ه. ساخته شد
مآذنه‌های ایوان طلا به سال ۱۲۸۵ ه. ق بنیاد گردید.
این مآذنه‌ها به سال ۱۳۰۱ ه. ق تذهیب شد.
در خاتم روضه مطهره به سال ۱۲۹۲ ه. ق ساخته شد
صحن جدید به سال ۱۳۰۳ ه. ق تأسیس شد
در نقره‌ای حرم مطهر به سال ۱۳۰۶ ه. ق ساخته شد
ضریح جدید مطهر از نقره و طلا به سال ۱۴۲۱ ه. ق ساخته و نصب
گردید.
گنبد طلا قبلی بعثت خرابی برداشته شد و تزئین جدید گنبد با
خشت طلا جدید از سال ۱۴۲۳ ه. ق شروع شده است.

قم

اثر طبع / حاج محمد زلانی زنجانی

بلند رتبه آوای کوه طور اینجاست

ز آفرینش گیتی ظهور نور اینجاست

فلقت بحر الموسی ، عصا بدست نگر

ز توتیای شفا بخش صد قبور اینجاست

یکی یکی علما مشعل فروزانند

ستاره‌های منور کند وفور اینجاست

در این مکان مقدس هزار موسی بین

فضای منطبق قرآن کند ظهور

اینجاست

جوار رحمت دل‌بند حضرت موسی

صفای هر دلی انسانی با شعور

اینجاست

شفیع پاک‌دلان عمه امام جواد

دوای هر دل غمدیده را سرور

اینجاست

پدر امام ، برادر امام ، جد امام

مقام مسند اهل کسا چو خور

اینجاست

جلال حضرت معصومه از جلال خداست

بهشت اهل یقین را بدان مرور

اینجاست

بزیر قبه این آستان گدائی کن

چه فخر برتر از این افتخار حو

اینجاست

ادب کنند رعایت تمام اهل خرد

که پا برهنه در آیند بر حضور

اینجاست

هر آنکه پاک در این شهر قم شود مدفون

بدیگران شفاعت کند غرور

اینجاست

سرشت پاک بخواهد چنین مکان شریف

صفای باطن یارب یا غفور

اینجاست

گدای تحت لوای عزیز زهرایم

دل گرفته محزون شود صبور

اینجاست

فصل ششم



تحقیقی در باب کرامت

کرامت از همان نوع معجزه است ، هرچند در لسان عامه فرقی دیده نمی‌شود ولی واقعیت آن است ، تفاوتی که در میان معجزه و کرامت دیده می‌شود این است که در معجزه « تحدی » (یعنی دعوت به مبارزه و معاوضه) و هدایت خلق مطره است و حال آنکه در دعاهای اولیای الهی و کرامت‌های صادره از آنان صحبت تحدی در کار نیست.

پس عنایات و توجهاتی که در حرم مطهر انبیاء و اولیاء به وقوع می‌پیوندد کرامت گویند که در سایه توجه آن ارواح مقدسه حاصل می‌شود و این گونه رفتارها در واقع می‌تواند از جمله مفاهیم رجعت باشد که با توجه به مقیم بودن این ارواح مقدسه در « مقعد صدق عند ملیک المقنن^۱ » به اذن الهی (زیرا که خداوند در قرآن کریم فرموده است:

« و ما کان لرسول ان یأتی بآیه الا یاذن الله »^۲
یعنی ؛ و هیچ فرستاده‌ای را نرسد که بی‌اجازه خدا نشانه‌ای بیاورد.
«

به سوی زوار خویش توجه و نظری کرده و حاضران در محضر خویش را بی‌نصیب نمی‌گذارند.

۱- سوره قمر / آیه ۵۵

۲- سوره غافر / آیه ۷۸

هر چه مقامات این ارواح مقدسه در محضر الهی بیشتر باشد آثار و عنایات آن ذوات نورانی بیشتر خواهد بود.

این امری باسابقه است که از گذشته دور در میان مردمان جایگاه خودش را دشت و با حضور در مزار بزرگان و مقدسین خویش از آنها در طی مسیر زندگانی و آرزوها و آمال معقول خویش یاری جستند.

در میان شیعیان نیز این امر از صدر اسلام مطرح و شکل پررنگ‌تر و دینی‌تر به خود یافته است. زیرا بر اساس فرهنگ شیعی ائمه و معصومین بالخصوص و اولیاء الهی بالعموم واسطه‌های فیض الهی‌اند که ارزاق معنوی و مادی بواسطه این ذوات مقدسه جاری و ساری می‌شود، از این سبب توجه به این محاضر مقدسه و نورانی در صدر توجهات شیعیان واقع شده است.

ابن بطوطه جهانگرد نامی جهان اسلام متوفای ۷۷۹ ه.ق در ضمن مسافرت سی‌ساله خود که قریب ۷۰۰ سال پیش انجام گرفته است به هنگام وصف نجف اشرف و حرم مطهر امیر مؤمنان می‌نویسد:

« همه مردم این شهر رافضی مذهبند و از این روضه کرامتها ظاهر می‌شود که منشاء عقیده مردم بر این که قبر علی(ع) در آن است همان کرامتها می‌باشد.

از جمله آن که در شب بیست و هفتم رجب که « ليله المحيا » می‌نامند، عراقیان ، خراسانیان ، فارسیان و رومیان گروه گروه ، سی تن و چهل تن ، بعد از نماز خفتن در آنجا گرد می‌آیند و بیماران

افلیح و زمین گیر را روی ضریح مقدس می گذرانند و خود به نماز و ذکر و قرآن و زیارت مشغول می شوند.

چون پاسی از شب گذشت همهٔ مریضها که شفا یافته و صحیح و سالم گشته‌اند، برخاسته و ذکر (لا اله الا الله ، محمد رسول الله ، علی ولی الله) می گویند. ^۱

علی بن اسباط که در عهد امام رضا و امام جواد علیهم السلام می زیست و نجاشی مقدم رجالیون او را توثیق نموده است در کتاب « نوادر » از گروهی از اصحاب امامیه نقل می کند:

« چون خبر شهادت جانگداز حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) در اقطار و اکناف جهان منتشر شد. زنان مقیم از چهار گوشهٔ جهان به سوی مرقد مطهر آن حضرت سرازیر شدند و تعداد آنها به یکصد هزار نفر رسید، که همهٔ آنها از برکات قبر شریف آن حضرت بچه به دنیا آوردند. ^۱

حاج میرزا مهدی حائری تاکید می کند که این رقم مربوط به سال شهادت آن حضرت می باشد. ^۲

و اینها اندکی از بسیار است که هرگز معجزات و کرامت‌های صادره از آن ارواح مقدسه و نورانی در طول قرون و اعصار، قابل احصاء

۱- سفرنامهٔ ابن بطوطه / ج ۱ ، ص ۱۸۵

۱- نوادر / علی بن اسباط ، ص ۱۲۳

۲- معالی السبطين / ج ۲ ، ص ۱۷۸

نیست و از شمار بیرون است، که مقدار اندکی از آنها در کتابها مسطور است.

و این عنایات و کرامات بهترین وسیله‌ای است که حقانیت و قداست و عظمت آنها را روشن می‌کند.

منقول از امام سجاد(ع) است که وقتی آن حضرت و اهل بیت رسول الله(ص) از شام برگشتند در ورود به مدینه النبی محمد بن طلحه مقروانه از آن حضرت سؤال کرد که چگونه گذشت و چه کسی پیروز شد. آن حضرت در جواب فرمودند که - زمان اذان بود - وقتی زمان نماز می‌رسد و نام هر کس را از بالای مأذنه شنیدی بدان که پیروز اوست. و بدین طریق به ایشان فهماند که هر کس که اثرش ماندگار و نامش پایدار است او پیروز واقعی است هر چند در ظاهر شکست خورده باشد.

پس پیروز واقعی و حقیقت واقعی همانا این ارواح مقدسه‌اند که بدین وجه به شهادت رسیده‌اند و جز رنج و زحمت در این دنیا

یآوری نداشتند و این عنایات و کرامات و معجزات بزرگترین برهان بر حقانیت آنها است که دشمنان‌شان نیز در زمان بروز مشکل چنگ بر دامن آن آستان مقدس می‌زنند.

حل مشکلات علمی

مرحوم محدث قمی اعلی الله مقامه الشریف در شرح حال صدر المتألهین شیرازی نوشته‌اند:

بدانکه چنانکه از بعضی از مشایخ خود شنیدم مرحوم ملا صدرا بواسطه بعضی ابتلاءات از مقام خود مهاجرت کرد به دارالایمان قم که عض آل محمد و حرم اهل بیت علیهم السلام است به حکم « اذّا عمت البلدان الفتن و البلیا فعلیکم بقم و حوالیها و نواحیها فان البلیا دفوع عنها » التجا برد به قریه از قرای قم که در چهار فرسخی قم واقع است موسوم « بکهک بکافین عربیتین » کفرس و گاه گاهی که

بعضی مطالب علمی بر او مشکل می‌گشته از کهک به زیارت حضرت سیده جلیله فاطمه بنت موسی بن جعفر سلام الله علیها مشرف می‌شده و از آن حرم مطهر فیض آثار بر او افزایه میشد.

فاضل اشکوری لاهیجی در کتاب محبوب القلوب در احوال خاتم حکماء یونانین ارسطوطالیس فرموده که چون ارسطو در بلده اسطاغیرا از دنیا رحلت کرد اهل آنجا جمع کردند استخوانهای او را پس از آنکه پوسیده شده بود و در ظرفی از مس گذاردند و آن را

دفن کردند در یک موضع و آن مکان را مجمع خود قرار داده و در آنجا جمع می‌شدند از برای مشورت در کارهای بزرگ و امورات جلیله و هر وقت که بر ایشان مشکل میشد مطلبی از فنون علم و حکمت قصد آنجا را می‌نمودند و در سر قبر او نشسته و مشغول به مناظره و مباحثه می‌شدند تا آنکه واضح می‌شد بر ایشان مشکلات ایشان و چنان اعتقاد داشتند که آمدن بر سر قبر ارسطوطالیس بر عقل و ذکاء ایشان میافزاید و اذهان ایشان را پاکیزه و تلطیف می‌کند.

پس هرگاه حکماء یونان این نحوه اعتقاد داشته باشند با اسخوانهای پوسیده ارسطوطالیس پس عجیبی نیست که حکیم الهی و فیلسوف امامی هرگاه مسئله علمی بر او مشکل شود از چهار فرسخی قم حرکت حرکت کند به قصد تشریف به آستان ملک پاسبان حضرت سیدتنا فاطمه که مهبط فیوضات ربانیه و تجلیات سبحانیه است برای آنکه افاضه شود بر او علوم و کشف شود بر او مطالب عویصه.^۱

این داستان ملاصدرا بر زبان مرحوم آیه الله مرعشی نیز جاری شده است؛ ایشان نیز می‌فرمودند که: هر وقت برای ملاصدرا مشکل علمی یا مطلب مبهمی پیش می‌آمد، در حرم مطهر حضرت معصومه (س) بی بی مکرمه متوسل شده و با استمداد از آن بانوی دو عالم، مشککش، حل و آسان می‌شد.^۲

۱- فوائد الرضویه / محدث قمی ، صص ۳۷۹ - ۳۸۰

۲- گنجینه دانشمندان / ج ۱ ، ص ۳۹

استاد علامه آیه الله حسن زاده آملی حفظه الله تعالی به طول بقائه الشریف در همین رابطه در کتاب شریف و نوریه خویش دروس اتحاد عاقل و معقول می فرماید:

« نکته‌ای که در این مقام خیلی جالب است اینکه حکیم متأله مرحوم آقای میرزا علی اکبر حکمی یزدی علیه شایب رحمہ ربہ المفیض به خط مبارکش در حامش اسفارش در تاریخ ساعت تسوید مذکور و در ذیل همان عبارت حاشیه‌ای از جانب صدر المتألهین به عنوان « منه » دارد که این بنده آن را از روی خز شریفشان تبرکاً در این گرامی نامه نقل می‌کند:

« کنت حين تسويدي هذا المقام يكهك من قري قم فجئت الي قم زائراً لينت موسي بن جعفر سلام الله عليها مستمداً منها و كان يوم جمعه فانكشف لي هذا المر بعون الله تعالي (منه) »

و شبیه همین حالت تضرع و استغاثه را که صدر المتألهین در نیل اتحاد عاقل به معقول دارد در اتحاد عاقل به عقل فعال نیز دارد. زیرا که قوم در کتب حکمت پس از « اتحاد عاقل به معقول در ابطال قول اتحاد عاقل اعنی نفس فعال نیز هستند و عقل فعال را مخرج نفس از قوت به کمال می دانند.^۱

۱- دروس اتحاد عاقل به معقول / استاد علامه حسن زاده آملی ، ص ۱۰۸

در همین مورد استاد علامه آیة الله حسن زاده آملی در درس‌های عرفانی و آسمانی اشارات خود وقتی که به بحث فصل ۱۷ از نمط چهارم می‌رسد، می‌فرماید: «جناب ملاصدرا در اسفار آن جایی که بحث از اتحاد عاقل و معقول می‌کند یک حاشیۀ منہ دارد و می‌فرماید که این مطلب مشکل بود و از کهک راهی قم شدم به زیارت حضرت معصومه، آنگاه حقیقت امر به من الهام شد و روشن شدم.

در دروس وقت و قبله آورده‌ام که امام سجاد - علیه السلام - فرمود که: «و اشتغل قلوبنا بذكرک عن کل ذکر»؛ یعنی دل ما را از هر چه که جز یاد تو است پاک کن.

می‌بینید که در اماکن مقدسه اشراقاتی می‌شود، در کنار تربت‌ها افاضاتی می‌گردد، آقایی می‌فرمود به زیارت یکی از اولیاء الله رفته بودم. خودش هم اهل الله بود و اهل الله بودن همان دینداری است. دینداری سنگین‌ترین ریاضات است. یک چله تنها نشستن و ریاضت

کشیدن کاری نیست، بلکه دینداری مهم است. فرمود: رفتم دیدم که قبرش تا بالا عمود نور است، هر چه بالا نگاه می‌کنم نور است.

گر بدیدی حس حیوان شاه را پس بدیدی گاو و خر الله را

این حس غیر آن حس ظاهری است. چیز دیگری می‌خواهد، بصیرتی می‌خواهد. ملاصدرا می‌فرماید که در کنار قبر حضرت معصومه این مطلب به من اشراق شد و در آن جا می‌فرماید. این

مطالب با آشنا بودن به قیل و قال و اصطلاحات به دست نمی آید. آن حقایق به این حرفها درست نمی شود.»^۲

حل مشکل آیه الله العظمی نجفی (ره)

ایشان می فرمودند : روزگاری که جوانتر بودم ، روزی بر اثر مشکلات فراوانی که داشتم می خواستم دخترم را شوهر دهم ولی مال و ثروتی نداشتم تا برای دخترم جهیزه تهیه کنم با ناراحتی به حرم حضرت معصومه (س) رفتم و با عتاب و خطاب در حالی که اشکهایم سرازیر بود گفتم: « ای سیده و مولای من ، چرا نسبت به امر زندگی من اهمیت نمی دهی؟ من چگونه با این دست خالی دخترم را شوهر دهم؟ سپس با دلی شکسته به خانه برگشتم، حالت غشوه مرا گرفت ، در همان حال شنیدم در می زنند، رفتم و در را باز کردم ، شخصی را دیدم که پشت در ایستاده، وقتی مرا دید گفت: سیده تو را طلبید « با شتاب به حرم رفتم، وقتی که وارد صحن شریف آن حضرت شدم، چند کنیز را دیدم که به تمیز کردن ایوان طلا اشتغال داشتند ، از سبب آن پرسیدم ، گفتند: اکنون سیده می آید، پس از اندکی حضرت فاطمه معصومه (س) آمد، در حالی که در شکل و

۲- صدو ده اشاره/ استاد علامه حسن زاده آملی ، ص ۱۳۹

شمایل ، مانند مادرم فاطمه زهرا(س) بود (چون جدهام زهرا(س) را سه بار قبل از آن در خواب دیده بودم.» نزد عمه‌ام حضرت معصومه(س) رفتم و دستش را بوسیدم به من فرمود: ای شهاب! کی ما در فکر تو نبوده‌ایم، که ما را مورد عتاب قرار داده و از دست ما شاکی هستی، تو از زمانی که به قم آمدی زیر نظر ما و مورد عنایت ما بوده‌ای.»

وقتی از خواب بیدار شدم، فهمیدم که نسبت به حضرت معصومه(س) اسائۀ ادب کرده‌ام هماندم برای عذرخواهی به حرم شریفش رفتم تا از آن پس حاجتم بر آورده شده و در کارم گشایشی صورت گرفت و مشکل زندگیم حل و آسان گردید.^۱

هلاکت مزدور گستاخ

در عصر رضاخان و کشف حجاب ، روزی رئیس شهربانی که مردی گستاخ و بد زبان بود به حرم مطهر حضرت معصومه(س) وارد می‌شود و در همانجا به زنان با حجاب حمله می‌کند تا چادر را از سرشان بگیرد، آه و ناله زنان بلند می‌شود، در همین وقت غیرت آیه الله مرعشی نجفی (ره) که در آنجا حضور داشت به جوش می‌آید و به آن قسمت رفته و برای جلوگیری از عمل زشت آن رئیس ، سیلی

۱- بر ستیغ نور (شرح حال آیه الله مرعشی نجفی - ره) / ص ۷۹

محکمی به صورت رئیس شهربانی می‌زند ، او که از این سیلی سخت یکه خورده بود ، آیه الله مرعشی را تحدید به قتل می‌کند ولی روز بعد همین رئیس گستاخ وارد بازار قم می‌شود. از قضا ، قسمتی از سقف ساختمان بازار بر سر او خراب شده و او در همان دم به هلاکت می‌رسد.^۱

حل مشکل آیه الله العظمی اراکی (ره)

ایشان می‌فرمودند: دستم باد می‌کرد و پوست آن ترک بر می‌داشت به طوری که نمی‌توانستم وضو بگیرم ناچار بودم برای نماز تیمم کنم. معالجات هم بی‌اثر بود تا اینکه به حضرت معصومه (س) متوسل شدم به من الهام شد که دستکش به دست کنم ، همین کار را مردم و خوب شدم.^۲

لطف خواهر و برادر

بانویی سعادت‌مندس که دست‌ها و پاهایش فلج بود و برای استمداد از کریمه اهل بیت از خرم آباد وارد قم شده بود. می‌گوید: چون وارد

۱- بر ستیغ نور / ص ۷۹

۲-

قم شدیم تا کسی گرفته تا دم حرم مطهر رفتیم در مسافرخانه « قبله » اتاق گرفتیم و به حرم مطهر مشرف شدیم. شب جمعه بود و اطراف ظریح پر از جمعیت ، روی این اساس در مسجد بالای سر ، مدتی مشغول دعا و توسل بودیم، ساعت یک بعد از نیمه شب که عنایات بی‌بی شامل حالم گردید به مادرم گفتم که مرا به کنار شریح مطهر ببرید.

در کنار شریح بعد از دعا و توسل خوابم برد ، یک آقای بسیار نورانی با یک بانوی مجلله را در عالم رؤیا دیدم. متوجه شدم که حضرت معصومه (س) مباحثند ، از محضرشان تقاضا کردم که آن اقا را نیز برایم معرفی کنند. فرمودند: او برادرم علی بن موسی الرضا (ع) است. گفتم: یا امام رضا (ع) من غیر از شما کسی را ندارم ، من شفایم را از شما می‌خواهم.

حضرت معصومه (س) فرمودند: «من از ناحیه گردن تا ناحیه کمر شما را شفا می‌دهم، بقبیه به عهده برادرم می‌باشد. من خیلی

التماس کردم. فرمودند: اصرار نکن آنگاه دست مبارکشان را به بدنم کشیدند و شفای کامل یافتم ، حضرت رضا (ع) فرمودند: « بیا مشهد»

بیدار شدم و دیدم هر چه بیماری از ناحیه کمر به بالا داشتم، بهبودی کامل شافته است، به مادرم گفتم: من شفا گرفتم ، زائران که متوجه شفا یافتنم شدند، برای تیمن و تبرک به سوی من آمدند.

آنگاه به شهر خودمان برگشتیم، ده روز گذشت مہیای سفر شدیم و به تهران رفتیم و از تهران رهسپار مشهد مقدس شدیم. تصادفاً باز هم شب جمعه بود که وارد مشهد شدیم و در اطراف حرم، مسافر خانہ مناسبی پیدا نکردیم. وسائل خود را به مغازہ عکاسی که در اول خیابان طبرسی بود گذاشتیم و با صندلی چرخدار وارد حرم مطہر شدیم.

یکی از بانوان بر سرم داد کشید که این چه وضع است چرا با صندلی به داخل حرم مطہر آمدہ اید؟!

گفتم: خانم، ہمہ دکترها مرا جواب کردہ اند، آمدہ ام به محضر دکتر دکترا، حضرت علی بن موسی الرضا(ع) انشاء اللہ جوابم نخواهد کرد، شما چرا با زوار امام رضا(ع) چنین رفتاری می کنید؟ از کردہ خویش پشیمان شد و معذرت خواست، آنگاه همان خانم با گروه دیگری از بانوان به من کمک کردند و مرا تا کنار ضریح مطہر بردند و صندلی را به یک گوشہ ای نهادند.

آن شب جمعه را تا صبح در کنار ضریح مشغول دعا و گریہ و توسل شدم، ولی نتیجہ ای ندیدم.

مادرم بسیار ناراحت شد کہ چرا حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، عنایت نفرمودند. گفتم: مادر نومید مباش در هر نامیدی بسی امید هست و پایان هر تاریکی روشنایی است.

صبح رفتیم دنبال مسافرخانه، اتاقی را در مسافرخانه کاخ - جنب داروخانه محمدیه - در خیابان طبرسی گرفتیم و وسایل خود را از آن عکاسی پس گرفتیم.

مسافرخانه پله داشت، خانم سرایدار کمکم کرده و مرا به اتاقم برد. بعد از ظهر جمعه دوباره به حرم مشرف شدیم، خانمی در حرم مشغول مناجات بود، چون مرا دید، به حضرت رضا(ع) عرض کرد، اقا، این دختر واجبتر است اول او را شفا بدهید.

این خانم خیلی به من محبت کرد و تاکید کرد که به خانۀاش منتقل شوم، ولی نپذیرفتم و تشکر نمودم در حرم مشغول دعا و مناجات شدیم. شب شد و شب نیز یک دور در قسمت بانوان و یک دور در قسمت آقایان زیارت کردیم و به مسافرخانه بازگشتیم. روز شنبه حالات عجیبی داشتم، به مادرم اصرار می‌کردم که زودتر مرا به حرم برساند.

آن قدر به عنایات امام رضا(ع) امیدوار بودم که به مادرم گفتم: یک پیراهن و یک چادر با خود بردارد، گفت: برای چی؟ گفتم: خواهش می‌کنم نپرسید.

چون وارد حرم شدم، خواستم نماز بخوانم، از بانوانی که اطرافم بودند، قبله را پرسیدیم، چون به زبان آذری پاسخ دادند، متوجه نشدم، بعد یک روحانی سمن قبله را به من نشان داد.

داخل حرم مطهر روی صندلی چرخدار مشغول دعا و توسل بودم تا خوابم برد، در عالم رؤیا، دیدم حضرت علی بن موسی الرضا(ع)

سخنرانی می‌کنند، سه گروه در اطراف آن حضرت گرد آمده‌اند، یک گروه از نخبه‌های اهل مشهد ، یک گروه از هدام حرم و یک گروه از زوار.

به محضر آقا عرض کردم، من گدای کوی شما هستم، از راه دور آمده‌ام ، همه دکتراها جوابم کرده‌اند، شما مرا جواب نکنید، اقا را خیلی قسم دادم. به جان مادرش حضرت زهراء (س) جدش رسول خدا(ص) و پدر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیهم ، پس از آن، به جان حضرت معصومه(س) و حضرت جواد(ع) قسم دادم، اشک از دیدگاه مبارکش جاری شد و فرمود: « من همه را دوست دارم ، تو را رد نمی‌کنم.»

عرض کردم: آقا من فلج هستم، قدرت حرکت ندارم، فرمود: همه‌اش درست می‌شود، نگران نباش. یک مرتبه صندلی به طرف ضریح مطهر به حرکت در آمد و من از خواب بیدار شدم، در حرم مطهر ، با آن همه ازدحام و کثرت زوار ، راهی برایم باز شد و تا کنار ضریح رفتم، تا دست به ضریح بردم پاهایم راست شد و صندلی عقب زده شد.

مادرم صندلی را به مسافرخانه برد، اهل مسافرخانه پرسیده بودند که صاحب صندلی چه شد؟ ایا از بین رفت؟ مادرم گفت: « نه حضرت او را ضفا داده‌اند.»^۱

۱- کریمه اهل بیت/ ص ۳۲۱-۳۲۶

شفای پادرد و تقدیر از مجالس اهل بیت(ع)

حضرت آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری نقل فرمودند که شخصی بود به نام آقا جمال، معروف به «هژبر» دچار پادرد سختی شده بود به طوری که برای شرکت در مجالس بایستی کسی او را به دوش می‌گرفت و کمک می‌کرد. عصر تاسوعا، آقای هژبر به مجلس روضه‌ای که در مدرسه فیضیه از طرف آیه الله حائری تشکیل شده بود، آمد آقای سید علی لیف (خدمت‌گذار مرحوم آیه الله حائری) که نگاهش به او افتاد گفت: سید این چه بساطی است که در آورده‌ای، مزاحم مردم می‌شوی، اگر واقعاً سیدی برو از بی‌بی شفا بگیر، آقای هژبر تحت تأثیر قرار گرفت و در پایان مجلس به همراه خود گفت: مرا به حرم مطهر ببر، پس از زیارت و عرض ادب با دل شکسته حال توجه و توسلی پیدا کرد و سید را خواب ربود، در خواب دید کسی به او می‌گوید: بلند شو، گفت: نمی‌توانم، گفته شد، می‌توانی بلند شو، سپس عمارتی را به او نشان داده و گفت: این بنا را مال حاج سید حسین آقا است که برای ما روضه‌خوانی می‌کند این نامه را هم به او بده، آقا هژبر ناگهان خود را ایستاده دید که نامه‌ای در دست دارد. و نامه را به صاحبش رساند و گفت: ترسیدم اگر نامه را نرسانم درد پا برگردد، و کسی از مضمون نامه آگاه نشد، حتی آیه

الله حائری ، ایشان فرمودند: از آن به بعد آقای هژبر عوض شد گوئی ، از جهان دیگریست و غالباً در حال سکوت و یا ذکر خدا بود.^۱

به قم بیا تا درد تو را شفا دهم

این کرامت باهره روز دوشنبه ۱۴ شعبان ۱۴۱۵.ق در بارگاه ملکوتی حضرت معصومه (س) روی داد و شرح ماجرا به صورت فیلم ویدیوئی از زبان «ابوالفضل امیرکوهی» تهیه شده ، در آرشیو آستانه مقدسه نگهداری می‌شود، و فشرده آن از طرف آستانه مقدسه و واحد فرهنگی آستانه ، در دو ورقه جداگانه چاپ و منتشر شده است و اینک شرح ماجرا از زبان این سعادت‌مند شمالی:

اینجانب ابوالفضل امیرکوهی ، اهل مازندران ، متولد رستم‌کلا از توابع بهشهر ، کارمند بازنشسته اداره اقتصاد و دارائی و مقیم مشهد مقدس می‌باشم.

اینجانب از سه سال پیش به درد کمر و فلج هر دو پا مبتلا شده بودم ، تمام دارائی خود را در راه درمان و معالجه خویش خرج کردم، نتیجه نگرفتم و کاملاً زمین‌گیر شدم.

ماهها در بیمارستان قائم مشهد ، و بیمارستان‌های تهران و تجریش بستری شدم و نتیجه‌ای نگرفتم، هنگامی که از همه جا مأیوس شدم به آستان مقدس حضرت ثامن الحجج امام هشتم(ع) پناه بردم و

۱-زندگانی حضرت معصومه(س) / سید مهدی صفی ، ص ۴۵

شفای خویش را از محضر مقدس آن امام رئوف مسئلت نمودم و نتیجه نگرفتم.

در اوایل ماه شعبان سال جاری که همه جا برای ولادت امام حسین(ع) آیین بندی شده بود و همه شیعیان غرق در شادی و سرور بودند، خانواده من در غم جانکاهی به سر می بردند.

من که از نتایج آن همه آزمایش ، سی تی اسکن ، نوار و دوا نومید بودم ، روز سوم شعبان با تحمل زحماتی فراوان ، با دستیاری خانواده روی ولچر به حرم مطهر مشرف شدم، ولی امام صابر صبر پیشه نمود.

هنگامی که با دست خالی از حرم مطهر بیرون آمدم عرض کردم آقا! شما که غیر مسلمانها را محروم نمی کنید، چرا به این رو سیاه عنایت نمی فرمائید، من که شیعه شما و مقیم کوی شما هستم و همواره بر سر سفره شما نشسته ام، اینهمه توسل و دعا و تضرع کرده ام چرا توجهی نفرموده اید!؟

با دست خالی و روی سیاه به خانه بازگشتم و تصمیم گرفتم حضرت معصومه را شفیع خود سازم و امام هشتم را به خواهر گرامی اش سوگند دهم، شاید به احترام خواهرش به من عنایت فرماید.

شب چهارم شعبان [شب میلاد حضرت ابوالفضل (ع)] وجود مقدس حضرت معصومه (س) را در عالم رؤیا دیدم که به خانه محقر من تشریف فرما شده اند.

به محضر مقدسشان متوسل شدم و شفایم را از محضرشان تقاضا نمودم، فرمودند: «به قم بیا تا درد تو را شفا دهم.»

از خواب بیدار شدم و خواب خود را به خانواده‌ام نقل کردم و گوشزد نمودم که شفای من به قم حواله شده ، ولی با این وضع جسمی و اقتصادی چگونه می‌توانم رهسپار قم شوم؟!

چند روز گذشت یکبار دیگر آن بی‌بی دو عالم را با حجاب کامل و نقاب نورانی در عالم رؤیا دیدم به من فرمود:

چرا به قم نمی‌آیی؟!

عرض کردم: با این وضع که من دارم چگونه به قم بیایم؟ لطف کنید همینجا شفایم بدهید. فرمودند: «باید به قم بیایید.»

بیدار شدم و تصمیم قطعی گرفتم که به هر وسیله‌ای که شده خودم را به قم برسانم.

در مدت سه سال زمین‌گیری ، آنچه اندوخته داشتم خرج کرده بودم، و آنچه از وسایل خانه قابل فروش بود برای درمان خویش و

گذران زندگی هشت سر عائله فروخته بودم، دیگر چیزی قابل فروش نداشتم تا هزینه سفر نمایم.

چهار جعبه شیشه نوشابه داشتیم، پسرمان آنها را به دو هزار تومان فروخت و هزینه سفر فراهم شد و با همیاری پدر خانمم به قم

مشرف شدم، صبح دوشنبه ۱۴ شعبان ۱۴۱۵.ق برابر ۲۶/۱۰/۷۳ ساعت ۸ صبح وارد قم شده ، یکسره به حرم مطهر این بانوی دو

سرا شرفیاب شدم.

در کنار شریح به من جای دادند و مرا به ضریح بستند. پس از توسل و تضرع و التجاء، به جهت خستگی راه خوابم برد، یکبار دیگر حضرت معصومه(ص) را با چادر مشکی و نقاب سبز در خواب دیدم که در یک پیاله صفالی چائی به من عنایت کرد و فرمود:

« این چائی را بخور و بلند شو ، تو دیگر بیماری نداری .»

از خواب بیدار شدم و احساس کردم که هیچ بیماری ندارم، خودم را به ضریح چسبانیدم و فریاد زدم: « حضرت شفایم داده است.»

این بود خلاصهٔ بیانات آقای ابوالفضل امیرکوهی ، که اشک شادی می‌ریخت و بریده بریده با لهجهٔ شمالی خود از محضر مقدس کریمهٔ اهل بیت تشکر می‌کرد.^۱

r a z v a . i r

طلبةٔ نخبوانی

پس از فروپاشی نظام منحنط کمونیستی و گشوده شدن راه آذربایجان شوروی به روی ایرانیان و بالعکس ، گروهی از مسئولین

۱- کریمهٔ اهل بیت / ص ۲۰۹

حوزه علمیة قم به آذربایجان می‌روند تا عده‌ای از جوانان مستعد را انتخاب کنند و به حوزه علمیة قم آورده ، با متد متناسبی آنان را آموزش دهند ، تا به آذربایجان برگشته خلأ فرهنگی شیعیان آن سامان را که در مدت سیطره ظالمانه کمونیستها پدید آمده ، در حد توان پر کنند.

در نخجوان نوجوانی به نام « حمزه » دواطلب اعزام به قم می‌شود ولی مسئولین از پذیرش او پوزش می‌طلبند، زیرا یکی از شرائط گزینش ، نداشتن نقص عضوی بود، و یک از دیدگان حمزه معیوب بود، و به چشم می‌زد. طبعاً در رغبت مردم نسبت به یک سخنگوی مذهبی ، داشتن چنین نقص عضوی اثر منفی دارد.

حمزه گریه فراوان می‌کند که چرا من با داشتن استعداد و علاقه سرشار از این سعادت محروم شوم، پدرش نیز اصرار می‌کند که او را بپذیرند تا اثر روحی نامطلوب بر افکار او نگذارند.

مسئولان بر خلاف شرط پذیرش ، تحت تأثیر عواطف انسانی ، او را می‌پذیرند و همراه بیش از یکصد نفر از جوانان دواطلب او را به ایران می‌آورند.

در تهران از این جوانان پر شور آذربایجان مراسم استقبال باشکوهی به عمل می‌آید، از طرف صدا و سیما و دیگر نهادها و ارگانها عکس و فیلم فراوان برداشته می‌شود.

یکی از فیلمبرداران طبق شیوه نکوهیده برخی از به اصطلاح هنرمندان ، هم‌هش دوربین را متوجه چشم برآمده حمزه می‌کند، و

دهها بار در ضمن مراسم استقبال ، چشم معیوب حمزه را اگرانديسمان می‌کند!

هنگامی که این جوانان دواطلب به حوزه علمیه قم می‌آیند و در یکی از مدارس قم اسکان می‌یابند، یک حلقه از آن فیلم به سرپرست مدرسه داده می‌شود، تا در آرشيو مدرسه نگهداری شود.

سرپرست مدرسه یک روز برای تنوع و سرگرمی این جوانان به دور از وطن ، این فیلم را در سالن مدرسه به نمایش می‌گذارند.

هر بار که دوربين به طرف چشم حمزه نشانه می‌رود شلیک خنده از همشاگردیهای حمزه - که نوعاً کم سن و سال هستند - بلند می‌شود.

در این جلسه حمزه بسیار احساس حقارت می‌کند و دیگر زندگی در نظرش بی‌ارزش می‌شود.

حمزه تصمیم می‌گیرد که رخت سفر بربندد و به وطن خود باز گردد، زیرا پس از این جلسه او همه جا تحقیر خواهد شد، و هر یک

از این بچه‌ها با دیدن او لبخند تلخی خواهند زد.

و لذا حمزه به حرم مطهر حضرت معصومه (س) مشرف می‌شود و با دل شکسته ، اشک فراوان می‌ریزد و عرضه می‌دارد : « ای دختر

باب الحوائج ، من صدها فرسنگ راه آمدم که در زیر سایه شما درس

بخوانم و مبلغ مذهبی بشوم ، ولی نمی‌توانم این همه تحقیر را

تحمل کنم، و لذا ناگزیرم به شهر و وطن خود بازگردم و از نعمت

مجاورت حرم شما محروم شوم.

حمزه عقده دلش را در پیشگاه کریمه اهل بیت باز می‌کند و برای همیشه از حضرت معصومه خدا حافظی می‌کند. چون از حرم بیرون می‌آید ، با یکی از هم کلاسیهای خود روبرو می‌شود، به او سلام می‌کند، او به عنوان ناشناس سلام او را علیک می‌گوید.

حمزه او را با نامش صدا می‌کند، او برمی‌گردد و به سیمای حمزه خیره می‌شود و می‌گوید: « حمزه توئی؟! »
حمزه می‌گوید: بلی مگر چطور؟!
او می‌گوید: پس چشم تو چه شد؟!

تازه حمزه متوجه می‌شود که از عنایات حضرت معصومه (س) چشم معیوبش شفا یافته، او دیگر نه تنها تحقیر نخواهد شد، بلکه به عنوان فرد سعادت‌مندی که مورد عنایت حضرت معصومه (س) قرار گرفته ، پیش همگان عزیز و سرافراز خواهد بود. و هنگامی که به آذربایجان سفر کند ، یکی از معجزات خاندان عصمت و طهارت در آن دیار خواهد بود. به ویژه در میان خویشان و آشنایان خود که او را با چشم معیوب دیده بودند.

حمزه فعلاً یکی از محصلین حوزه علمیه قم است، در مجالس و محافل شرکت می‌کند، با یک دنیا شور و شغف سرگذشت خودش را بیان می‌کند، از کریمه اهل بیت شکر بی‌پایان ابراز می‌دارد و درود بیکرانش را بر آستانش نثار می‌کند.

گذشته از بیش از یکصد دانش پژوه آذری که قبلاً حمزه را می‌شناختند، همان فیلم کدائی نیز موجود است و شاهد زنده و مستندی از گذشته حمزه می‌باشد.^۱

طهارت زائران

حضرت حجه‌الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج شیخ اسماعیل حسین‌زاده سرابی، که از فضایل برجسته و مورد وثوق می‌باشند از مرحوم حجه‌الاسلام و المسلمین حاج میرزا تقی زرگر، که از شخصیت‌های بارز حوزه علمی قم بودند و در سال ۱۳۹۸ ه.ق فوت کردند مکاشفه‌ای را به شرح زیر نقل فرمودند:

روزی در صحن مطهر حضرت معصومه (س) در خدمت مرحوم آقای زرگر نشسته بودیم، فرمود:

« یک روز در همین جا نشسته بودم یک مرتبه حالت مکاشفه به

من دست داد، دیدم که در ایوان طلا دوشهای فراوان است که از آنها آب می‌ریزد، هر یک از زوار که از حرم مطهر خارج می‌شود زیر این دوشها می‌ایستد کاملاً شستشو می‌کند و سپس راه می‌افتد و هرگز احدی از زائران حضرت معصومه از این معنی مستثنی نبود و همه آنجا شستشو می‌کردند و می‌رفتند.»

۱- کریمه اهل بیت / ص ۲۱۳

این حالت در حدود ۱۰ - ۵ دقیقه ادامه یافت، سپس چشمم عوض شد و همه چیز را به صورت عادی دیدم.

طهارت

همچنین آقای حسین زاده از مرحوم حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ صادق نصیری سرابی، متوفای ۱۴۱۳ ه.ق که از هیئت تحریریۀ «احقاق الحق» و اهل معنی بودند نقل کردند که فرموده بود:

«من در بالای سر حرم مطهر حضرت معصومه (س) مکرر در مکرر در عالم مکاشفه مشاهده کردم که از بالا بر سر زوار آب می‌ریزد»

دوش آب

یکی از دوستان اهل ولا نقل می‌کند که برای یکی از زوار در حرم مطهر حضرت معصومه (س) مکاشفه‌ای حاصل می‌شود، می‌بیند که دوش آبی بالای سرش هست، نگاه می‌کند و می‌بیند که بالای سر هر زائری یک دوش آب هست.

متوجه می‌شود که آب بسیار لطیفی است و از ایستادن زیر آب خیلی احساس لذت می‌کند و بدنش سبک می‌شود.

از حرم خارج می‌شود و می‌بیند که در صحن مطهر جعبه‌هائی چیده‌اند از روی زمین تا عنان آسمان ، به هر کسی که عبور می‌کند یک جعبه مرحمت می‌کنند، اگر چه عابر باشد و قصد زیارت نداشته باشد.

از صحن خارج می‌شود می‌بیند جعبه در دستش نیست، بر می‌گردد به صحن می‌بیند از جعبه‌ها خبری نیست، به حرم مطهر بر می‌گردد می‌بیند از دوشهای آب اثری نیست. تازه آن وقت متوجه می‌شود که حالت مکاشفه برایش پیش آمده بود.

برادر شما که به ما ربطی ندارد

دانشمند محترم حجه‌الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ عباس محقق کاشانی داماد مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی(ره) رؤیای لطیفی را از بانویی نقل فرمودند که کاملاً مورد وثوق ایشان بود. و اینک متن داستان:

این بانوی محترمه می‌گوید: شبی در عالم رؤیا به حرم مطهر حضرت معصومه(س) مشرف شدم، ساعتی بود که می‌خواستند در حرم را ببندند و لذا به زوار می‌گفتند: بفرمائید، بفرمائید.

اطراف ضریح مطهر خلوت شد ، من به طرف ضریح مقدس رفتم که شریح را ببوسم، دیدم داخل ضریح بسیار منور است، از شبکه‌ها نگاه کردم دیدم که بانوی بسیار مجلله‌ای با چادر سفید روی قبر شریف

نشسته و این نور از او ساطع است. توجه پیدا کردم که حضرت معصومه (س) می‌باشند.

سلام عرض کردم، پاسخ فرمودند، به نظرم آمد حالا که این سعادت به من نصیب شده ، چیزی از محضر مقدس بی‌بی بخواهم، تنها چیزی که به یادم آمد کسالت برادرم بود، و لذا شفای برادرم را از محضر مقدس خاتون دو سرا تقاضا کردم.

وجود مقدس حضرت معصومه (س) فرمودند:

« برادر شما که به ما ربطی ندارد. »

از خواب بیدار شدم و در مورد این پاسخ بی‌بی هر چه فکر کردم ، فکرم به جایی نرسید، چون برادرم اهل نماز و عبادت بود و شخص متدین و متشرعی بود ، بعد از تحقیق معلوم شد که بیش از یکسال است به حرم مطهر تشریف پیدا نکرده است!!

وقتی برادرم از این واقعه آگاه شد سخت متأثر و منقلب گردید، به حرم مطهر شرفیاب شد و عذر خواهی نمود و از برکات این خاتون

قیامت شفای کامل و عاجل یافت.

حضرت آقای محقق افزودند که این رؤیا در روحیه من تأثیر عجیبی گذاشته و از آن روز متعهد شده‌ام که حتماً هر شب برای عتبه بوسی مشرف شوم. حتی اگر در حرم بسته باشد، از پشت در عرض ادب نموده عتبه را ببوسم.

ضمناً از این رؤیای صادقانه استفاده می‌شود که عنایت بی‌بی به زائران کویش انحصار ندارد، بلکه همه ساکنان این مرز و بوم را شامل می‌شود.^۱

ارزش خلوص

آقای حاج مرتضی خوشنویسان که مورد وثوق است نقل می‌کند که سه چهار سال پیش روزی در حرم مطهر مشغول زیارت بودم و شخص معلولی را روی سه چرخه به ضریح مقدس بسته بودند، در این حال جوان ۱۷ - ۱۸ ساله‌ای را که از ناحیه کمر و پاها فلج بود، در حالی که به پتویی پیچیده بودند به کنار ضریح آوردند، پدرش یک طرف پتو را گرفته بود و مادرش طرف دیگر را. این جوان اهل شمال بود، پدر و مادرش او را از شمال به امید شفا و بهبودی به محضر کریمه اهل بیت آورده بودند.

موقع ورود اینها حرم شلوغ بود و لذا مدتی در مسجد بالای سر توقف کرده، مشغول توسل و استغاثه بودند. چون اطراف ضریح خلوت شد او را به کنار ضریح آوردند.

مادرش رفت که بقیه وسایل خود را از مسجد بالای سر بیاورد. پدرش در کنار شریح ایستاد و مشغول استغاثه شد.

۱- کریمه اهل بیت / ص ۲۲۶

مشاهده وضع جوان یک انقلاب روحی در من ایجاد کرد ، سرم را بر ضریح نهادم و مشغول توسل شدم.

یک مرتبه دیدم که این جوان در کنار ضریح روی پای خود ایستاده ، دست بر سینه نهاده ، لبها را تکان می‌دهد و به طرف ضریح مقدس تعظیم می‌کند.

پدرش بهت زده ، می‌پرسید: محمد جان چه شد؟ محمد جان چه شد؟

جوان گفت: پدرجان! این حضرت فاطمه و این حضرت معصومه(س) هستند به من می‌فرمایند: « زیارت عاشورا بخوان ، دعای کمیل بخوان ، دعای توسل بخوان » و من می‌گویم: چشم.

پدر نیز گفت: چشم می‌خوانم ، چشم می‌خوانم. در این حال مادر رسید و بهت زده ایستاد، تا مدتی به قد و قواره پرسش تماشا می‌کرد، او را سر پا و روی پای خود می‌دید، از خوشحالی نمی‌دانست چه کند؟

طولی نکشید که خدامها و زائران متوجه شدند و دور او را گرفتند ، من نیز به جهت حال خاصی که پیدا کرده بودم به کناری رفتم.^۱
نکته‌ها:

۱- در اینجا حضرت زهراء(س) در کنار حضرت معصومه(س) مشاهده شده و یکبار دیگر این معنی تجلی کرده است که این حرم رمز حضرت زهراء و به جای قبر گمشده صدیقه طاهره نیز می‌باشد.

۱- کریمه اهل بیت / ص ۲۳۶

- ۲- تأکید بر ختم زیارت عاشورا و مداومت بر دعای کمیل و توسل.
- ۳- سرعت در کرامت حاکی از خلوص ، قدرت ایمان ، شدت تمسک و انقطاع کامل پدر و مادر و خود آن جوان می‌باشد.

عیدی

سال ۱۳۶۳ ش ، به قم آمدم ، در مسجد اعظم قم به هنگام تجدید وضو کت خود را روی میز گذاشته بودم، چون بیرون آمدم کت را برده بودند.

مبلغ ۶۲۳ تومان که تنها موجودی من بود ، در جیب کت گذاشته بودم، دچار بی‌پولی شدم و دیگر خرجی نداشتم.

مدت ده روز در تکیه خلوص نشستم و از بی‌پولی در زحمت بودم. روزدهم که از منزل بیرون آمدم، چون چشمم به گنبد مطهر حضرت معصومه(س) افتاد عرض کردم: «بی‌بی! من خرجی خودم را از شما می‌خواهم.»

و چون روز عید بود، گفتم: «عیدی هم می‌خواهم.»

همان روز کسی با من مصادف شد و پولی به من داد و رفت، دیگر مهلت نداد که بیرسم شما کی هستید؟ و این پوی چیست؟ هنگامی که پول را شمردم دیدم ۶۲۳ تومان است، از این که عنایت بی‌بی شامل حال شده بود بسیار شادمان شدم، بلافاصله به حرم مطهر مشرف شدم و از عنایتشان تشکر کردم و گفتم: از این که لطف فرمودید بسیار متشکرم، ولی من عیدی می‌خواهم.

شب حضرت معصومه(س) را خواب دیدم، به خیالم در مدرسه فیضیه، دست راست حجره دوم تشریف داشتند.

به محضر مقدسشان مشرف شدم و عرض کردم: من عیدی می‌خواهم.

فرمود: «آن کلام الله مجید که فلانی به شما اهداء کرد، از طرف ما بود.»

شخصی را که در عالم رؤیا برایم نام بردند، در همان ایام برای من یک جلد قرآن کریم اهدا کرده بود.

r a z v a . i r

چرا حرم خواهرم را در قم ترک کرده‌ای؟!

در عصر ما در قم مرد وارسته‌ای به نام آقای شیخ عبدالله بود که به: «شیخ عبدالله پیاده» معروف بود و کرامات فراوانی از او نقل می‌شد و لذا افراد زیادی به او مراجعه می‌کردند و از او التماس دعا

می‌نمودند، که این رفت و آمدها او را از کار و زندگی‌اش باز می‌داشت.

ایشان برای رهایی یافتن از دست مراجعه کنندگان از شهر مقدس قم رخت برپست و در ده جمکران در نزدیکی مسجد مقدس صاحب الزمان (عجل الله فرجه الشریف) اقامت گزید.

بعد از مدتی برای آستان بوسی حضرت رضا(ع) به مشهد مقدس مشرف شد.

در حرم مطهر محضر مقدس حضرت رضا شرفیاب می‌شود، حضرت از ایشان روی بر می‌تابد. بسیار گریه می‌کند و عرضه می‌دارد: مولایم به من بفرمائید که چه تقصیری از من سر زده است؟!

حضرت می‌فرمایند: چرا حرم خواهرم را در قم ترک کرده‌ای؟! عرض می‌کند که من در محضر شما متعهد می‌شوم ، تا زنده هستم همه نمازهای خود را در حرم حضرت معصومه(س) بخوانم.

و لذا تا هنگامی که وضع جسمانی‌اش ایجاب می‌کرد، روزی سه بار به حرم مطهر مشرف می‌شد و همه نمازهای یومیه را در حرم می‌خواند.

در اواخر که توان کمتری داشت، روزی دو بار مشرف می‌شد و نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا را در حرم می‌خواند.

این مطلب را جمعی از دوستان مورد اعتماد ، که با ایشان رفت و شد داشتند نقل کرده‌اند.

ایشان در حدود ۱۰ سال پیش درگذشتند و در قبرستان بقیع قم دفن شدند.
یکی از از دوستان، ایشان را بعد از فوتش در حال تشرف به حرم در خواب می‌بیند، از حالش می‌پرسد، می‌فرماید: که اینجا هم جای من بالای سر حضرت معصومه (س) می‌باش^۱.

کرامت

صاحب «انوار المشعشعین» نقل می‌کند از مرحوم حاج سید صادق قمی متوفای ۱۳۳۸ ه.ق (جد آیت الله روحانی) از شخصی به نام مشهدی علی نقی، که سید مرتضی (اخو الزوجه آقا سید صادق) را در عالم رؤیا می‌بیند، به او می‌فرماید: چرا کمتر به زیارت حضرت معصومه مشرف می‌شوی؟!^۲

پناه بی پناهان

صاحب انوار المشعشعین می‌نویسد: به خاطر دارم که شتری به جهت آزار و ایداء صاحبش به حرم مطهر حضرت معصومه (س) پناه آورده، در پایی ایوان آرمیده بود، تا صاحبش آمد و برد.

۱- کریمه اهل بیت / ص ۲۶۰

۲- انوار المشعشعین / ج ۱، ص ۲۱۲

چنین داستانی در عهد ما در آستان مقدس حضرت علی بن موسی الرضا(ع) نیز به وقوع پیوست که مشورح آن در جراید و کتابها مطرح شده است.^۳

خط خوش

حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ عبدالرحیم افشار از فضایی حوزه علمیه و صاحب خط زیبایی است که آثار فراوانی از خط ایشان چاپ و منتشر شده است.

دوست ارزشمندم آقای گل محمدی نقل فرمودند که من در اوایل طلبگی با ایشان مأنوس بودم و رفت و آمد داشتم، ایشان خط بسیار معمولی داشتند و خوشنویس نبودند، روزی به محضر مقدس حضرت معصومه(س) متوسل شده بودند و این خوشنویسی از طرف آن کریمه اهل بیت به ایشان اعطاء شده است.

نویسنده محترم کریمه اهل بیت گوید: تلفنی از خدمت ایشان جويا شدم تأیید فرمودند، ولی مایل نشدند که بیشتر از این توضیح داده شود.^۱

شفاعت امام رضا(ع)

۳- همان / ص ۲۱۵

۱- کریمه اهل بیت / ص ۲۹۸

کرامتی را در مورد حاج حسینعلی برادر مرحوم حاج شیخ حسنعلی
تهرانی (متوفای ۱۳۲۵ ه.ق) آیت الله شبیری نقل کردند، سپس
فرمودند: مرحوم حاج شیخ حسینعلی تهرانی جد امی آقای مروارید
است و لذا بهتر است از خود ایشان بپرسید، روز ۲۳ ذیقعده
۱۴۱۴ ه.ق که روز زیارتی مخصوص حضرت امام رضا(ع) بود برای
عتبه بوسی امام رضا(ع) شرفیاب بودیم با جمعی از دوستان به
خدمت آیت الله مروارید رسیدیم و متن داستان را از ایشان استماع
کردیم و اینک شرح مختصری در مورد حاج شیخ حسنعلی معروض
داشته ، به اصل داستان می پردازیم:

حاج شیخ حسنعلی تهرانی فرزند حاج محمود تاجر تبریزی از
بزرگان علمای عصر خویش ، از شاگردان میرزای شیرازی ، و از
مدرسین عالی رتبه سامرا در عهد میرزا بوده است.

هر وقت میرزا به نماز نمی آمد، ایشان به جای میرزا نماز جماعت را
اقامه می کرد، همه صلحا و اتقیا به او اقتدا می کردند، دو سال بعد از
رحلت میرزا (در ۱۳۱۲ ه.ق) به تهران آمده ، بعد از اندک توقفی به
مشهد مقدس مشرف شده ، در آنجا رحل اقامت افکنده است.

در مسجد گوهرشاد نماز جماعت می خواند، کسانی که با هیچکس
نماز نمی خواندند در نماز ایشان حضور می یافتند، و بسیاری از

فضلاى آن روز در درس ایشان شرکت می کردند، تا در ۱۴ رمضان ۱۳۲۵ هـ.ق در مشهد مقدس وفات کردند.^۱

او برادری به نام حاج میرزا حسینعلی داشته که در دربار ناصرالدین شاه بوده و تمام لباسهای شاه زیر نظر او دوخته می شد.

روزی مرحوم حاج شیخ حسنعلی در حرم امام رضاع) مشغول زیارت بوده ، به او خبر می آورند که برادرش در گذشته است.

ایشان شدیداً گریه می کند و به حضرت امام رضاع) متوسل می شود و عرض می کند: برادر من در دربار بود و طبعاً حقوق و مظالم زیادی به گردنش خواهد بود، از شما می خواهم در حق او شفاعت فرمائید.

چنانچه او را با تشریفات خاصی از تهران به قم می برند و بعد از شوط دادن در حرم ، در یکی از بقاع صحن مطهر به خاک می سپارند.

یکی از علمای بزرگ همان شب در عالم رؤیا می بیند که جنازه را از تهران به طرف قم تشییع می کنند ولی مأمورین عذاب نیز همراه تابوت می روند و در مسیر تشییع او را به انواع عذابها عذاب می کنند.

هنگامی که جنازه به صحن مطهر می رسد، مأمورین عذاب دم در صحن مطهر می ایستند و به احترام کریمه اهل بیت وارد صحن نمی شوند.

در آن هنگام بانوی مجلله ای از حرم مطهر خارج می شود و به این فرشته ها که مأمور عذاب بودند می فرماید: « برادر ایشان به برادر من متوسل شده، برادرم در حق او شفاعت نموده است، دیگر شما

۱- نقباء البشر / ج ۱ ، ص ۴۵۵

برگردید و با او کاری نداشته باشید، فرشته‌ها اطاعت می‌کنند و برمی‌گردند.»

این رؤیای صادقه را آقای مروارید از آقای شیخ عبدالعظیم سوادکوهی نقل کردند و ایشان بدون واسطه از پدرشان نقل کرده و پدر ایشان این خواب را دیده بود.

آقای مروارید اضافیه کردند که آقای شیخ حسنعلی اهل کرامت بود و برخی از کرامتهایش را مرحوم آیه الله زنجانی در کتاب «الکلام یجر الکلام» نقل کرده است.^۱

سفیدکاری مسجد جمکران

یکی از مردان صالح نقل می‌کرد که چند سال پیش در حرم مطهر حضرت معصومه (س) نشسته بودم، زائر غریبی از پیرمردی که در حرم شرفیاب بود، در مورد عظمت و جلالت قدر حضرت معصومه سؤال کرد، آن پیرمرد گفت:

من در جوانی بنا بودم به مسجد مقدس جمکران می‌رفتم، یک روز دیدم دیوارهای مسجد خیلی سیاه شده، به دوستان سفیدکار خود گفتم: بیاید همت کنید مسجد را سفید کنیم، گفتند: مانعی نیست. هنگامی که به شهر آمدیم سراغ گچ فروشی رفتیم و داستان را گفتیم، او حاضر شد که گچ بدهد، در آنجا الاغ داری بود آنهم

۱- کریمه اهل بیت / ص ۳۰۳

پذیرفت که گچ‌ها را تا مسجد جمکران حمل کند، روز بعد که به سراغ گچ فروش رفتیم از تقدیم گچ امتناع کرد و مالدار هم از حمل آن امتناع نمود.

از آنها دست شستیم و به حرم مطهر حضرت معصومه (س) مشرف شدیم و حال خود را به خدمت بی‌بی عرض کردیم.

بعد از دعا و زیارت در کنار ضریح نشسته بودم لحظه‌ای به خواب رفتم و در عالم رؤیا دیدم بانوی بزرگواری از ضریح مقدس بیرون آمد و به من فرمود: « برو در منزل فلان بنا ، در بزن ، چون بیرون آمد دستش را بگیر و مچ دستش را فشار بده.»

عرض کردم: بی‌بی گچ نداریم، فرمود: « دم در مسجد دکان گچ‌پزی هست و گچ دارد ، ولی یادتان باشد که حجره آن دو سید را نیز سفید کنید.»

در خانه آن شخص رفتم و در کویدم ، صاحب منزل که خود بنا بود بیرون آمد ، بعد از سلام دستش را گرفتم و مچ دستش را فشار

دادم، گفت: صبر کن ماله و تیشه‌ام را بیاورم. معلوم شد که به او نیز دستور رسیده بود و فشار مچ به عنوان نشانی بیان شده بود.

رفقا را نیز برداشتیم و به مسجد مقدس جمکران رفتیم، دیدیم دم در مسجد دکان گچ‌پزی متروکه‌ای هست ولی مقداری کچ هست.

خواستم به ده جمکران یروم و الاغی پیدا کنم ، دیدم مال بی‌صاحبی می‌آید و بیا به بغلش بسته شده است.

با همان مال گچ‌ها را بردم و رفقا مشغول سفید کردن مسجد شدند. به سوی روستای جمکران راه افتادم که غذائی تهیه کنم، مرد کامل سنی را دیدم ، پرسید: کجا می‌روید؟ داستان را گفتم، گفت: شما مشغول کارتان باشید من غذا می‌آورم، خواستم پول بدهم گفت: مهم نیست حساب می‌کنیم.

سه چهار روز که کار سفیدکاری طول کشید آن مرد مرتباً غذا می‌آورد و ما مسجد را سفید کردیم و حجره، آن دو سید را نیز سفید کردیم.

وقتی از سفید کاری فارغ شدیم رفتیم که پول غذا را بدهم آن مرد را پیدا نکردم ، و کسی از چنین شخصی نام و نشان نداد. معلوم شد که هم‌اش از عنایات حضرت معصومه(س) بود ، که برای گچ و حمل آن ، و غذاها چیزی پرداخت نکردیم.

فصل هفتم

برگزیده ادب فارسی
در رثای حضرت معصومه (س)

razva . ir

بارگاه قدس

اثر طبع سید محمد علی ریاضی یزدی متوفای ۱۳۶۰ش

هرگز ز بخت و طالع خود نیست باورم

کافتد ز لطف سایه مهر تو بر سرم

بر من هوای ملک سلیمان حرام باد

کز بندگان و حلقه به گوشان این درم

من تاج آفتاب نگیرم ز دست چرخ

تا شد غبار پاک مزار تو افسرم

آب حیات و عمر ابد ز آن خضر باد

من زنده با ولای تو از آب کوثرم

تا زنده‌ام به گردن من طوق بندگیست

قرآن به دست دارم و سوگند می‌خورم

این بارگاه قدس تو، یا عرش کبریاست

وین کعبه، یا ضریح تو باشد برابرم

گر سر بر آستان نسایم ز روی شوق

زین آستان کجا روم این سر کجا برم

امروز پا کشم گر از این بارگاه قدس

فردا چگونه سر ز خجالت بر آورم

گه در حریم طوسم و گه در رواق عرش

از جان غلام خواهر و عبد برادرم

چون وسف تست روح الامین بر فراز عرش

خواند ز بر ترانه طبع سخنورم
این افتخار بر «ریاضی» که سایهات
بر مادر و برادرم افتاد و همسر

سینه سینا

اثر طبع فتحعلی خان صبا / متوفای ۱۲۳۸ ه.ق

آتش موسی عیان از سینه سیناستی
یا که زرین بارگاه بضعه موساستی
بضعه موسی بن جعفر فاطمه کز روی قدر
خاک درگاهش عبیر طره حوراستی
توگلی روشن ز طرف گلشن یاسین بود
آیتی روشن ز صدر نامه طاهاستی

پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفی
زهره‌ای از آسمان عصمت زهراستی

صحن او را هست اقصی پایه عزت چنان
کز شرف مسجودسقف مسجداقصاستی
بستی از صحن حریمش را به پا طاق حرم
کین مکان عزت و آن مسکن غراستی

اسوۀ شرف

اثر طبع محمد علی مجاهدی (پروانه)

اینجا فروغ عشق و صفا صبح می‌زند
نور خدا به صحن و سرا موج می‌زند
اینجا که طور جلوه و سینای ایزدی است
از هر کرانه ، نور خدا موج می‌زند.
اینجا مطاف اهل زمین است و آسمان
و ز شهپر فرشته ، فضا موج می‌زند
لیک از زبان اجابت توان شنید
در این فضا که نور دعا موج می‌زند
از جلوة جلال تو ای مظهر کمال

نور صفا در آینه‌ها موج می‌زند
در کوی تو که ساحل امن است و عافیت
دریای بیکران صفا موج می‌زند

ای کعبه امید که در بارگاه تو
نور امید در همه جا موج می‌زند
دستی به دستگیری دلها دراز کن
وین عقده‌ها زکار دل خسته باز کن

جمال و کمال فاطمی

گنجینه دانشمندان / ج ۱ ، ص ۱۷

خاک قم گشته مقدس از جلال فاطمه
نور باران گشته این شهر از جمال فاطمه
گرچه شهر قم شده گنجینه علم و ادب
قطره‌ای باشد ز دریای کمال فاطمه
تابش شمع و چراغ و کهربای نورها
باشد از نقد جمال بی مثال فاطمه
صافی آئینه ایوان نیکو منظرش
گوشه‌ای از صافی قلب زلال فاطمه
عطر آگین گشته این بارگاه جنتی
این نسیمی است از عبیری بی همال فاطمه
بر سر ما سایه افکن از کرامت ای بتول
شد سعید آن کس که بُد اندر ظلال فاطمه

اختر سپهر امامت

اثر طبع سید محمد علی ریاضی

منت خدای را که ز الطاف داوری
بر خاکیان گشوده شد از آسمان دری
تا ز آسمان نسیم بهشتی وزد به خاک
بگشود دست حق در زرین دیگری
تا سر بر آستان درسائی از ادب
باید به گاه اوج چو شهباز، شهپری
یک گوشه حور، فرش کند حلقه حلقه زلف
یک جا ملک گشاده به هر گوشه پی پری
کاینجا حریم عصمت کبرای کبریاست
وز بهر عصمت ازلی پاک گوهری
آرامگاه فخر زنان دو عالم است
بر ساق عرش زهره زهرای اطهری
در آسمان مجد، فروزنده آفتاب
بر طارم سپهر، درخشنده اختری

از آفتاب روی محمد اشعه‌ای
 و ز نور نخل طور ، فروزنده اخگری
 گر مادر ائمه یکی دختر آورد
 آرد بسان حضرت معصومه دختری
 ای پرتو فروغ خدائی که از ازل
 روشنگر اشعشع خورشید خاوری
 ای جلوه جلال نبوت که در کمال
 نور جمال حیدر و دخت پیمبری
 ای اختر سپهر امامت که در شب
 پاکیزه گوهر از صدف پاک کوثری
 حسن حسین و زهد علی ، علم باقری
 نور جمال صادق و موسی بن جعفری
 بر تارک عروس فلک تاج آفتاب
 فخر زنان عالم و خاتون محشری
 شهبانوی حجازی و داری چو شاه طوس
 یعنی: علی عالی اعلا ، برادری
 آفتاب خطه‌ی طوس و تو ماه قم
 شمس الشموس راست چه فرخنده خواهری
 ما راست زیر سایه این آفتاب و ماه
 پاینده پرچمی و برازنده کشوری
 فردای حشر بر سر ما ابر رحمت است

دستی که ز آستین شفاعت بر آوری
 ای منقبت نه در خور جاه و جلال تست
 کز آنچه گفته‌اند و شنیدیم برتری
 اقبال گفت و طبع «ریاضی» چو گل شکفت
 زین شبچراغ گوهر و ، زین چامه دری
 آمد یکی برون و به دور قمر سرود
 « بگشوده ز آسمان بزمین دست حق دری »

کیمیای اهل عرفان

اثر طبع معجزه‌ تهران

دختر سلطان امکان حضرت معصومه است
 خواهر شاه خراسان، حضرت معصومه است
 رشحه‌ای آزادگان از بحر عرفان برده‌اند

کیمیای اهل عرفان، حضرت معصومه است
 عصمت کبرای حق باشد همانا فاطمه
 شاهد پاکی سبحان ، حضرت معصومه است

برده او روح عبادت از امیرالمؤمنین
 زینت شب زنده‌داران ، حضرت معصومه است
 بقعه‌اش دارالشفای جمله بیچارگان
 بهترین داور و درمان ، حضرت معصومه است

معدن والای علم و اجتهاد ای شهر قم
ناجی ایام طوفان ، حضرت معصومه است
ای « شقایق » مدح آن عالی گهر کوتاه کن
مظهر الطاف یزدان ، حضرت معصومه است

آشیانی برای دل

اثر طبع حمید سبزواری

هاجری در کویر منزل کرد
عشق بر پا سراجۀ دل کرد
آشیانی ز صدق بر پا شد
کعبۀ صادقان دنیا شد
ریگزارش بهای گوهر بافت
سعی دیگر، صفای دیگر یافت
گشت جن و ملک طواف گرش
قبلۀ عشق گشت خاک درش

باغ بهشت

اثر طبع حبیب چیچیان (حسان)

بود این بارگاه خلد آذین
 حریم دخت هفتم خسرو دین
 مزار حضرت معصومه اینجاست
 رضا را خواهر مظلومه اینجاست
 چو اینجا شد چراغ عشق روشن
 به دلها این حرم شد پرتو افکن
 بود این درگه از ابواب رحمت
 در باغی است از باغات جنت
 که اشک عاشقان شد جویبارش
 نمی‌گردد خزان هرگز بهارش
 توای زائر به تعظیم شعائر
 ببوس این درگه پر نور و طاهر
 بیا اینجا به اشک خود وضو کن
 بیا جان خود اینجاست وشوکن
 بپا خیز و بخوان اذن دخولش
 اجازت از خدا گیر و رسولش
 به اذن حیدر و زهرای اطهر
 به اذن یازده معصوم دیگر
 قدم چون می‌نهی داخل از این در
 بگو بسم الله و الله اکبر

زند چون حلقه بر این در گدائی
 به گوش جان او آید ندائی
 که ای سائل! دعایت مستجاب است
 محب آل عصمت، کامیاب است
 بخوان از رحمت حق هر چه خواهی
 که بی حد است الطاف الهی
 «حسانا» قم که دار المؤمنین است
 در باغ بهشت اندر زمین است

ناموس خدا

اثر طبع آیه‌الله حسین وحیدی خراسانی

ای دختر عقل و خواهر دین

وی گوهر درج عز و تمکین
 عصمت شده پای بند مویت

ای علم و عمل مقیم کویت

ای میوه شاخسار توحید

همشیره ماه و دخت خورشید

وی گوهر تاج آدمیت

فرخنده نگین خاتمیت

شیطان بخطاب «قم» براندند
 پس تخت ترا بقم نشانند
 کاین خانه بهشت و جای حواست
 ناموس خدای جایش اینجاست
 اندر حرم تو عقل مات است
 زین خاک که چشمه حیات است
 جسمی که در این زمین نهان است
 جانی است که در تن جهان است
 این ماه منیر و مهر تابان
 عکسی بود از قم و خراسان
 ایران شده نور بخش ارواح
 مشکاه صفت به این دو مصباح
 از این دو حرم دلا چه پرسی؟
 حق داند و وصف و عرض و کرسی

هر کس به درت به یک امید است
 محتاج ترا ز همه «وحیدی» است

آستان عرشی نشان

اثر طبع سید محمد علی ریاضی

این بارگاه قدس که از عرش برتر است
 آرامگاه دختر موسی بن جعفر است

پاکیزه گوهر صدف عصمت بتول
 یعنی که نور دیده زهراى اطهر است
 والا تبار خواهر سلطان دین رضا
 فخر زنان عالم و خاتون محشر است
 عزت نگر که حرمت طوف حریم او
 با حرمت طواف امامان برابر است
 جنات عدن اگر طلبی زین حرم در آی
 کاین آستان عرش نشان، هشتیمین در است
 هر سر بر آستان ملک پاسبان او
 ساییده شد، بهشت برینش مقدر است
 آئینه‌های بقعه آیین طراز او
 روشنگر تشعشع خورشید خاور است
 در زیر پای زائر این بارگاه قدس
 گیسوی حور و بال ملک، مفرش در است
 اینجا نماز را به خشوع و ادب گذار
 کاین فرش زیر پای تو، جبریل را پر است
 بس ساطع است نور نماز و دعای خلق
 تا ساق عرض ساحت گیتی منور است
 یارب بحق قائم بر حق امام عصر
 کانگشت او به گردش افلاک محور است
 نوح زمان و قطب جهان کز حریم غیب

خلق خدای را به خداوند رهبر است
یارب بحق عصمت « معصومه » کز شرف
او را پدر امام و امامی برادر است
کاین در به روی خلق دو عالم گشوده دار
تا خاک ما به آب ولایش مخمر است
توفیق گفت و طبع « ریاضی » چو گل شکفت
آنجا که آفتاب هم از ذره کمتر است



ماه بطحاء

اثر طبع سید احمد هاتف اصفهانی متوفای ۱۱۹۸ ه.ق

حبذا شهری که سالار است در وی سروری
عدل پرور ، شهریاری ، دادگستر داوری
نام آن شهر است قم، فخر البلاد ، ام القری
کش به خاک آسوده از آل پیمبر دختری
دختری کش دایه دوران نیاید همسری
دختری کش مادر گیتی نزاید خواهری
دختری کآباء و اجداد گرامش یک به یک
تا به آدم یا امامی بوده یا پیغمبری
بنت شاه اولیاء ، موسی بن جعفر ، فاطمه
کش بود روح القدس بیرون درگه چاکری
ماه بطحاء ، زهره یشرب ، چراغ قم ، که دوخت
دست حق بر دامن پاکش ز عصمت چادری

روح عبادت

اثر طبع محمد رضا آغاسی

مرغ دلم راهی قم می شود

در حرم امن تو گم می‌شود
 عمهٔ سادات سلام علیک
 روح عبادات سلام علیک
 کوثر نوری به کویر قمی
 آب حیات دل این مردمی
 از سفر کرب و بلا آمدی
 یا که به دنبال رضا آمدی
 کاش شبی مست حضورم کنی
 با خبر از وقت ظهورم کنی

معصومه دین

اثر طبع کامران شرفشاهی

اینجا ملکوت است نگوئید زمین

راهی است از این خانه به فردوس برین

این خاک کز آن بوی خدا می‌آید

در خویش نهان نموده معصومهٔ دین

چند دوبیتی / اثر طبع بهمن صالحی

+++

معصوم ابد

ای خواهر سرو، خواب آرام تو خوش
معصوم ابد، سپیده نام تو خوش
آه ای حرم تو جنگلی ز آئینه
برشیردلان غزال الهام تو خوش

گل محمدی (ص)

دل وصف تو را به صدزبان می گوید
وز خاک تو نکبت خدا می جوید
تا نام تو می برم به باغ دل من
یک شاخه گل محمدی می روید

آیه آب

صحن تو صحیفه ای خوش از آیه آب
سنگ تو سفینه ای در امواج گلاب
بپذیر شبی به گوشه ای از حرمم
روی تو کسی نبیند الا در خواب

بانوی قم

بانوی قم ، ای گل کویر دل ما
سروی ز سلالهٔ امیر دل ما
از پای فتادهٔ سرابیم ، تو باش
در غربت عشق، دستگیر دل ما

فرزند امام

ای در صدف بارگهت گوهر عشق
فرزند امام محنت و مادر عشق
یاد تو به حزن و شادی آمیخته است
چون یک گل خشک گشته در دختر عشق

خاتون محشر

اثر طبع سید محمد علی یزدی

اینجا حریم دختر پیغمبر خداست
آرامگاه خواهر سلطان دین رضاست
بانوی بزم قرب و حریم عفاف غیب
درج حیا و عصمت کبرای کبریاست
خاتون روز حشر و شفیع گناه خلق

دریای جود و کان کرم معدن سخاست
 فردا که هر کسی به شفיעی برد پناه
 ما را پناهگاه جز این آستان کجاست
 گرد و غبار تربت پاکش در آسمان
 در چشم آفتاب جهانتاب توتیاست
 روح القدس که حامل وحی خدا بود
 بر خاک تربت معصومه جبهه ماست
 فرمود جعفر بن محمد که مرحبا
 بر اهل قم که در خور تحسین و مرحباست
 چون شهر قم مدینه آل محمد است
 فردا مزار فاطمه من در آن بیاست
 بر زائران تربت پاکش بهشت خلد
 واجب بود که در کنف رحمت خداست
 معصومه دخت موسی جعفر که حضرتش

باب الحوائج همه ، از شاه تا گداست
 این در دری به روضه رضوان گشوده‌اند

کاین پایه عطر پرور و این مایه مشک زاست
 اینجا به احترام قدم نه که از شرف
 گیسوی حور و بال ملک فرش زیر پاست
 اینجا مس ترا به نگاهی طلا کنند
 تا اسم اعظم است چه حاجت به کیمیاست

رضوا (محل وحی، عقل و عشق)

razva.ir

طغرا نویس قدر قضا شوکتش قدر
فرمان پذیر امر قدر قدرتش قضاست

رضوا
r a z v a . i r